



عیدی‌های نورانی

نور آدم‌ها با **نور** گیاهان فرق دارد. **نور** آدم‌ها حاصل کارهای خوبی است که انجام می‌دهند. در کارهای خوب انرژی عجیبی وجود دارد که انسان را از درون روشن می‌کند. اتفاقی نیست که بعضی‌ها با کم‌ترین امکانات، **نور** کارهای خوب‌شان رشد می‌کنند و به بزرگی می‌رسند و بعضی‌ها با بیشترین امکانات، مثل مگسی افتاده در قندان، میان شیرینی‌های زندگی غرق می‌شوند و از بین می‌روند. بیایید در این روزهای بهاری پنجره **نورانی** دعا را باز کنیم و از خدای مهربان عیدی‌های **نورانی** بخواهیم.

حبیب یوسف‌زاده

می‌گویند دانشمندی می‌خواست نیاز درختان به خاک را اندازه بگیرد. یک قلمه درخت بید را در گلدان کاشت و بعد از مدتی دید؛ وزن درخت از دو کیلو به هفتادوهفت کیلو رسیده اما وزن خاک گلدان فقط پنجاهوهفت گرم کم شده است. پس نتیجه گرفت رشد درخت‌ها بیشتر به آب بستگی دارد نه به خاک. البته او از آسمان غافل بود و تأثیر **نور** و هوا را نفهمیده بود. دوستان نوجوان، ما نیز از این نظر شباهت زیادی به درخت‌ها داریم و برای رشد به **نور** نیازمندتریم. هر چند

۱
نوجوان
فروردین ۱۳۹۱

مأمناة آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی
دوره س‌ام / فروردین ۱۳۹۱ / شماره ۲۴۰

نوجوان



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی



۱ عیدی‌های نورانی یادداشت سر دبیر
۲ تکه‌های با ارزش تو مهارت‌های زندگی
۴ بچه‌های مدرسه وُلت کار درس
۶ زیر آبی نروا! مهارت‌های زندگی



۹ راست بگو! سخن آشنا
۱۰ یک سبب شعر لحظه‌های شاعرانه
۱۲ افسانه بهار داستان ماه
۱۴ مخترع تقویم عصر طلایی
۱۸ طلای سیاه علمی



۲۰ زبان نو زبان انگلیسی
۲۱ بهترین بابای دنیا لحظه‌های فیروزه‌ای
۲۲ زندگی روی آب شگفتی‌های خلقت
۲۴ گنبد کاووس ایران ما
۲۶ گلدان آثار رسیده



۲۸ جدی درباره جک طنز
۳۰ زیر خط آهن سلامت
۳۲ لاک پشت‌های متحرک کار دستی
۳۴ اخلاق در المپیک ورزش



۳۶ داور از کجا آمده؟ زبان و زمان
۳۷ معرفی کتاب کتابخانه
۳۸ زنگ تفریح جدول و سرگرمی
۴۰ کوکوی تره دست پخت

ارتباط با ما:

اگر انتقاد یا پیشنهادی درباره شکل و محتوای مجله یا جگونگی توزیع آن دارید با شماره تلفن ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۸۲ تماس بگیرید و پس از شنیدن صدای پیام گیر، کد مورد نظرتان را وارد کنید و بعد از شنیدن دوباره همان صدا، پیام بگذارید.
کد مدیر مسئول: ۰۱۰۲، کد سردبیر: ۰۱۰۶، کد امور مشترکین: ۱۱۴

دفتر انتشارات کمک آموزشی به جز رشد نوجوان مجلات زیر را نیز منتشر می‌کند:

رشد کودک، ویژه پیش‌دبستان و دانش‌آموزان کلاس اول دبستان
رشد نوآموز: برای دانش‌آموزان کلاس‌های دوم و سوم دبستان
رشد دانش‌آموز: برای دانش‌آموزان کلاس‌های چهارم و پنجم دبستان
رشد جوان: برای دانش‌آموزان دوره متوسطه
رشد برهان (نشریه ریاضی دوره متوسطه)
رشد برهان (نشریه ریاضی دوره راهنمایی)
ماهنامه‌های رشد معلم، تکنولوژی آموزشی، آموزش ابتدایی، مدیریت مدرسه
مدرسه فردا، آموزش راهنمایی تحصیلی، آموزش فیزیک
آموزش شیمی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زبان
آموزش ریاضی، آموزش زیست‌شناسی، آموزش جغرافیا
آموزش معارف اسلامی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت بدنی
آموزش هنر، آموزش علوم اجتماعی، آموزش زمین‌شناسی، آموزش قرآن
آموزش فنی‌وحرفه‌ای، مشاور مدرسه و پیش‌دبستان لبرای دبیران، آموزگاران
دانشجویان تربیت معلم، مدیران مدارس و کارشناسان آموزش پرورش.

مدیر مسئول: محمد ناصری

سر دبیر: حبیب یوسف‌زاده

شورای کارشناسی:

مجید عمیق، علیرضا متولی، محمدعلی قربانی

مدیر داخلی: زهره کریمی

ویراستار: لیلا جلیلی

طراح گرافیک: روح‌الله محمودیان

عکس روی جلد: غلامرضا بهرامی تصویرسازی روی جلد: مجید صالحی

نشانی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۳

تلفن: ۸۸۸۴۹۰۹۷

نشانی مرکز بررسی آثار: تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷

تلفن: ۸۸۳۰۵۷۷۲

وبگاه: www.roshdmag.ir

وبلاگ: www.roshdmag.ir/weblog/nojavan

پیام‌نگار: nojavan@roshdmag.ir

شمارگان: ۷۶۷۰۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

تکه‌های بازار ارزش تو

علیرضامتولی

بتوانی فهرستی از این ارزش‌ها را روی کاغذ بنویسی و آن قدر آن را بخوانی که در ذهن و دلت جا بگیرد.

هویت، چیزی است که تو هم اکنون آن را داری. اما مهم این است که بدانی چه قدر به آن آگاهی داری یا این که این هویت برای تو چه قدر قوی و روشن است. هویت همه آن چیزی است که از طریق خانواده، اجتماع، استعدادهای شخصی و... در تو شکل گرفته است. به وسیله آن تو از وجود خودت آگاهی داری و دیگران تو را با آن تعریف می‌کنند. اسم تو بخش کوچکی از هویت توست. دختر یا پسر بودنت بخش دیگری از هویت تو را تشکیل می‌دهد. اما مهم‌تر از همه، ارزش‌ها، باورها، نقش‌ها و هدف‌های تو هستند که هویت تو را ساخته‌اند. و هر چه ارزش‌ها، باورها، نقش‌ها و هدف‌های تو والاتر و بهتر باشد، هویت تو مشخص‌تر است. مردم به اندازه‌ای که با هویت تو آشنا می‌شوند، برای تو قیمت می‌گذارند. هر چه با هویت‌تر شوی، بیشتر تو را جدی می‌گیرند.

تو چه شناختی از هویت خود داری؟ شکل ساده‌تر این سؤال این است:

من که هستم؟

باید وقت بگذاری و به این سؤال پاسخ بدهی. این کاری است که ناخودآگاه، هر روز انجامش می‌دهی، اما باید آن را به صورت آگاهانه در بیاوری. دفتر مخصوصی برای این کار در نظر بگیر. ابتدای کار ممکن است برایت سخت باشد، اما کم‌کم برایت به یک کار لذت‌بخش تبدیل می‌شود. تو کم‌کم با چیزهایی از خودت آشنا می‌شوی که قبلاً فکرت را هم نمی‌کردی. این چیزها همان تکه‌های پازل وجود تو هستند. باید این تکه‌ها را بشناسی.

از اسمت شروع کن. سن و سالت را بنویس. بهتر است سال و ماه تولدت را هم بنویسی و حتی می‌توانی از پدر و مادرت

در شماره‌های پیش دربارهٔ بحران هویت حرف زدیم. بحران هویت بزرگ‌ترین بحران زندگی بشر است. این بحران را کسی برای تو به وجود نمی‌آورد. این اتفاق دست خودت نیست، اما خارج‌شدن از بحران به دست خودت است. نمی‌خواهم بگویم کار سختی است، اما هشدار می‌دهم که برای رسیدن به شناخت درست از خودت باید زحمت بکشی. به زحمتش می‌ارزد. چون اگر تو، خودت را تعریف نکنی، دیگران تو را به میل و سلیقهٔ خودشان تعریف می‌کنند.

**دست به کار شو و اول به این سؤال
جواب بده:**

من چه ارزش‌هایی دارم؟

تو به عنوان یک انسان، ارزش‌های فراوانی داری، اما مهم این نیست که بدانی ارزش‌های فراوانی داری. مهم این است که



هر چه بیشتر بنویسی، بیشتر به امکانات، ارزش‌ها و توانایی‌های خودت پی می‌بری. و لازم است که

این کار را تا سال‌ها انجام بدهی. نوجوانی

مرحله‌ای از عمر تو است که باید بتوانی به کمک

خودت و دیگران شخصیت خود را محکم کنی. هر چه

بیشتر خودت را بشناسی و با کوچه پس‌کوچه‌های درون

خودت آشنا شوی، احساس ارزشمندی بیشتری می‌کنی و

هر چه این احساس در تو قوی‌تر باشد، توانایی جدی‌تر گرفتن

خود را داری و دیگران نیز درباره تو همان احساس را خواهند

داشت که تو از خودت داری.

یک نکته مهم این است که تو باید واقعیت‌ها و حقایق را در

مورد خودت کشف کنی. اگر چیزهایی به خودت نسبت بدهی

که در تو نیست، مردم چیزهایی را می‌بینند که در تو هست.

به خاطر همین ممکن است رفتاری با تو داشته باشند که تو

فکر کنی کسی تو را دوست ندارد.

نکته مهم دیگر این است که بدانی با بالاتر رفتن

سن، ممکن است بارها دچار شک و تردید شوی. به همه

چیزهایی که تا به حال از خودت و جامعه‌ات شناخته‌ای،

شک کنی. در این موارد نباید بترسی. انسان در طول

عمرش بارها و بارها با این گونه بحران‌ها روبه‌رو می

شود. و هر بار که با بحران تازه‌ای روبه‌رو شدی باید به

خودت تبریک بگویی؛ چون باید خودت را آماده کنی

برای یک مرحله تازه از رشد و شکوفایی.

و بدان که خداوند در همه مراحل در زندگی تو

حضور دارد و از تو حمایت می‌کند. خداوند

هیچ گاه تو را تنها نمی‌گذارد.

درباره ساعت تولدت و این که هوا در لحظه تولدت در چه

وضعیتی بوده پرسی و بنویسی. فرزند چندم خانواده هستی؟

دختر یا پسر بودن را یادداشت کن. حتی قد و وزن خودت

را بنویس. به چه رنگی بیشتر علاقه داری؟

کدام فصل از سال را بیشتر دوست داری؟ به چه ورزشی

علاقه داری؟ ارتباطات با هنرهایی مثل نقاشی و موسیقی و

سینما و تئاتر چگونه است؟ ارتباطات با دیگران چگونه است؟

و سؤالاتی شبیه این‌ها را پاسخ بده. تا جایی که می‌توانی باید از

همه جنبه‌های وجود خودت آگاه شوی.

حالا خودت را بررسی کن و ببین چه چیزهایی برایت ارزشمند

هستند. با خودت صادق باش. اگر یک صفت بد در خودت

هست و آن را دوست داری، آن را هم بنویس. قرار است

خودت را بشناسی. شناختن ارزش‌ها بخش مهمی از شناختن

هویت توست. برای مثال ببین آیا از دروغ بدت می‌آید؟

آیا خودت هم دروغ می‌گویی؟ آیا خودنمایی را دوست

داری یا از آن متنفری؟ آیا گاهی شده است که کاری را برای

خودنمایی انجام بدهی؟

تا چه حد حاضری برای نجات دادن جان انسان‌ها مایه

بگذاری؟ تا چه حد آمادگی داری به مردم بدون هیچ

دست‌مزدی خدمت کنی؟

دین تو چیست؟ ارتباطات با خداوند چگونه است؟ پاسخ به این

سؤال‌ها تا حدودی تو را با ارزش‌هایت آشنا می‌کند.

نقش تو در جامعه چیست؟ آیا فقط یک دانش‌آموز هستی؟

فرزند هستی. برادر یا خواهر دیگری هستی. دوست چند نفر

هستی. نوه پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها هستی. همسایه

هستی. مشتری هستی. عابر هستی. شهروند هستی. این‌ها

نقش‌های تو را در جامعه نشان می‌دهد. حالا باید پاسخ بدهی

که چه مقدار نقش خودت را در اجتماع بازی می‌کنی؟ آیا

به وظایفت عمل می‌کنی؟ آیا وظایفت را می‌شناسی؟

سپس اهدافی را که در زندگی داری بنویس. می‌خواهی

چه بشوی؟ **چه کاره بشوی؟** چه کارهایی انجام بدهی؟



۴

نوجوان
فروردین ۱۳۹۱

بچه‌های مدرسهٔ ولت

آشنایی با رشتهٔ برق

یاسمین حاتمی | عکس: غلامرضا بهرامی

راست گفته‌اند که به تعداد آدم‌ها راه هست در دنیا! من دوست دارم مهندس برق بشوم، و دلم می‌خواهد در مدرسه هم به طور عملی با آن آشنا شوم. شما چه طور؟

قدیم‌ترها...

برای همه ما شاید پیش آمده باشد که در کودکی قطعات اسباب‌بازی‌هایمان را از هم جدا کرده و برای سر هم کردن دوباره اجزا تلاشی بی‌فایده کرده باشیم. آن ماشینی که با دستگاه کنترل کوچکش و با استفاده از نیروی باطری به این طرف و آن طرف حرکت می‌کرد، عروسک سخنگویی که توی دلش یک مشت سیم و دستگاه کوچکی با ظرافت جاسازی شده بود، یک روز بر اثر کنجکاوی کودکانه ما مثل اولشان کار نکردند. آن روز سرزنش‌باران شدیم، ولی اشکالی ندارد؛ چون همان اتفاق جرقه‌ای شد برای انتخاب شغل آینده!

و بعد ...

هر چیزی حساب کتاب دارد. حتی اجزای یک لامپ ساده هم با اصول معین عمل می‌کنند، چه برسند به سیستم‌های برقی پیچیده یک ساختمان! همه این‌ها متخصصان خودشان را دارند و باور کنید برخی از این متخصص‌ها هم سن خود شما هستند. یک مدرسه، یک کارگاه، دانش‌آموزانی که رشته برق را انتخاب کرده‌اند و معلمی دلسوز که همگی سخت مشغول کار هستند! دانش‌آموزان لباس مخصوص کار پوشیده‌اند و برای درس‌های عملی کارگاه‌های مخصوص دارند. البته درس‌های نظری هم هست ولی درس‌های عملی اهمیت زیادی دارند. دانش‌آموزان در کارگاه‌پشت‌میزهای مخصوص کار می‌نشینند و فعالیت‌های عملی درس‌هایشان را انجام می‌دهند. همگی غرق کارند، معلم گاهی بین میزها قدم می‌زند و بچه‌ها اگر سؤال یا اشکالی در کارشان داشته باشند از او می‌پرسند. هر کدام از مهندسان آینده هم ابزار و وسایلی کنار دستشان دارند از فازمتر گرفته تا انواع و اقسام وسایل سیم‌کشی و سیم‌چینی!

حسام‌زین‌الدینی (دانش‌آموز سال سوم هنرستان - رشته برق) می‌گوید: «از بچگی کنجکاو بودم از عملکرد وسایل برقی خانه‌مان سر در بیاورم. بعدها فهمیدم رشته برق با علاقه‌ها و آرزوهای بچگی‌هایم مرتبط است و می‌توانم در هنرستان به بخشی از آرزوهای کودکی‌ام برسیم.»

- به بعدش هم فکر کرده‌ای؟ به بازار کار؟

- بله. در زندگی انسان امروز بیشتر چیزها به برق مربوط می‌شود. از سیستم برق‌کشی ساختمان‌ها گرفته تا برق‌کشی پیچیده کارخانه‌های بزرگ که تنظیم آن‌ها فقط از پس کسی

برمی‌آید که به طور حرفه‌ای با این رشته آشنا باشد. **ابوالفضل برجی** پنج ماه به طور حرفه‌ای با رشته برق سروکار داشته است. او بعد از این تجربه چند ماهه می‌گوید: «برای موفق بودن در این حرفه باید واقعا علاقه‌مند بود.»

- حالا که از نزدیک با این حرفه آشنا شده‌ای، می‌توانی بر ایمان از سختی‌هایش بگویی؟

- هر کاری سختی خودش را دارد. ولی کار کردن با برق اگر با احتیاط همراه نباشد می‌تواند خطرات جانی داشته باشد. مثل برق‌گرفتگی، آتش‌سوزی و ...

آقای کامرانی - فارغ‌التحصیل رشته برق و دبیر هنرستان - در خصوص رشته برق می‌گوید:

رشته برق از رشته‌های فنی و مهندسی است و مثل سایر رشته‌های فنی، برای موفق شدن در آن، تسلط بر درس‌های ریاضیات و فیزیک ضرورت دارد. خوشبختانه این رشته بازار کار نسبتاً خوبی دارد و دانش‌آموزان می‌توانند بعد از اتمام هنرستان و بدون نیاز به ورود به دانشگاه، با کمترین امکانات مالی شروع به کار کنند. اگر نه با ادامه تحصیل در این رشته می‌توانند مهندس برق شوند.

درس‌هایی که می‌خوانید

- مبانی برق
- کارگاه سیم‌کشی
- راه‌اندازی موتورهای سه فاز و تک فاز
- فلزکاری

برخی شاخه‌های رشته برق

- برق صنعتی
- برق ساختمان
- تابلوسازی
- تعمیر ماشین‌های الکتریکی
- تعمیر لوازم خانگی
- آسانسور

رشته‌ها در دانشگاه

- برق قدرت
- الکترونیک
- الکتروتکنیک



زیرآبی نرو!

ابراهیم اصلانی
تصویرگر: سام سلماسی



زیردریایی برای کاوش در بستر دریا بسیار کارآمد است. زیردریایی‌ها تا عمق بیش از ده کیلومتر زیر آب می‌روند.

ژول ورن نویسنده علمی-تخیلی در کتاب ۲۰ هزار فرسنگ زیردریایا، ساخت زیردریایی‌های امروزی را پیش‌بینی کرده‌بود.



این که کاری ندارد. من فرمولش را کشف کرده‌ام: ایده جدید = تخیل + خلاقیت + تفکر + دانش



کار ژول ورن خیلی جالب است چه طور توانسته از چیزهایی حرف بزند که وجود نداشته اند؟

کاش می توانستم سوار یک زیردریایی بشوم



زیردریایی‌های جدید با بیست هزار تن وزن و ۱۵۰ سر نشین می‌توانند مدت‌ها در عمق آب بمانند.

ده کیلومتر زیر آب؛ می‌دانی یعنی چه؟!



چی شد. بالاخره خلاقیت شما کی ظاهر می‌شود؟



من هم در آن کتاب خواندم که ورن رمانی به نام پنج هفته در بالن نوشته و ناشر از آن خوشش آمده بود.

حالا این حرف‌ها را ول کن.



کاری ندارد؟! تو که فرمول بلدی چرا دست به کار نمی‌شوی؟

در کتابی خواندم که ورن با ناشری قرارداد بسته بود هر سال دو جلد رمان برایش بنویسد. هنوز پیشنهاد خوبی به من نشده‌است!



مثل این که نویسنده مرا فراموش کرده‌است، بروم پی‌کارم!

ریبا نظر تو چیست؟



مثل زیردریایی که تا عمق دریاها می‌رود، فکر بعضی‌ها هم خیلی عمیق است.

راست می‌گویی؛ آدم‌هایی که تفکر عمیقی دارند هم دقیق‌تر هستند و هم تا عمق موضوع می‌روند.



راستی چه طور می‌شود دانشمندان، مخترعان و نویسندگان به چیزهایی فکر می‌کنند که به عقل بقیه نمی‌رسد؟

با سپاس از نویسنده
که به من فرصت داد؛
با قدردانی از شما که
مرا خریدید و با من
همراه شدید.

و عرض
ارادت خدمت
سردبیر مجله که
ماجراهای مرا ...



خوب! به نظر تو، من کی
ژولورن می شوم؟



چه عجب یاد من هم
افتادی؟

البته بحث تان
جالب بود و من هم
گوش می کردم.



و اما زیر دریایی؛
نه، غواصی؛ نه،
ژولورن؛ نه.

تفکر عمیق؛
چی قرار بود
بگویم؟



نه! ترسیدم فراموش
شوم و من را از مجله
حذف کنند. خواستم
جایم را محکم کنم!



ریبا! حالت خوبه؟

مثل این که نرم افزار هایت
اشکال پیدا کرده است؟

ببینید بچه ها! من تا حدودی با
فرمول نیما موافقم؛ البته گفتم
تا حدودی! خودتان را با همان
موارد بسنجید.

دانش + تفکر + خلاقیت + تخیل = ایده جدید



حواس پرتی هم یکی از عواملی است
که مانع تفکر عمیق می شود.



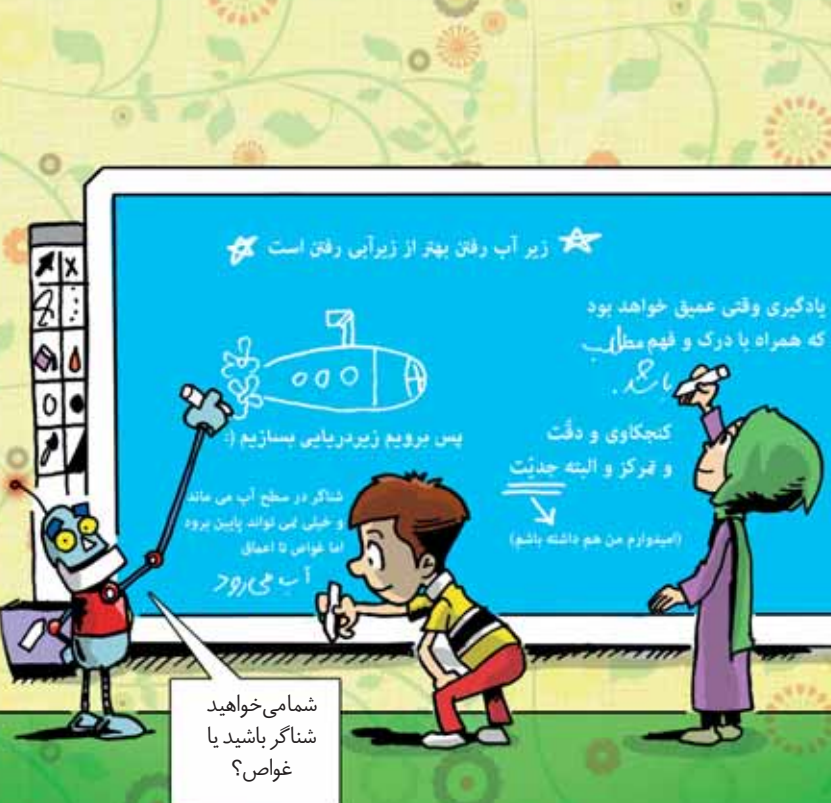
همین جاسبر کنید. جناب نیما!
اگر می خواهی ژولورن بشوی،
هم باید درباره دانش، جدی و
دقیق باشی و هم باید افکارت
جمع و جور و متمرکز باشد.



بدون تفکر که نمی شود زندگی کرد،
اما تفکر عمیق؛ چه عرض کنم...



خوب! راستش درس که
می خوانیم، گاهی هم کتاب های
دیگر مطالعه می کنیم.



راست بگو!

حسین امینی پویا

گفت. مهم آن است که دروغ نگوئیم. می توان در بسیاری از جاها ساکت ماند، بدون این که به حس راست گویی ما لطمه ای وارد شود.

«تنها کسانی دروغ می گویند که ایمان به آیات الهی ندارند.»

این آیه گویای این است که دروغ با ایمان سازگار نیست. از پیامبر (ص) پرسیدند آیا انسان با ایمان ممکن است گاهی بترسد. فرمودند، آری. پرسیدند آیا ممکن است بخیل باشد. فرمودند آری. پرسیدند آیا ممکن است دروغ گو باشد. فرمودند نه. چرا که دروغ از نشانه های نفاق است و نفاق با ایمان سازگار نیست. (تفسیر

نمونه، ج ۱۱، ص ۴۱۴)

می دانم که برخی راست گفتن ها سخت است، اما چرا کاری نکنیم که راست گفتن بر ایمان آسان باشد. بهتر است کارهای درست انجام دهیم تا مجبور نشویم دروغ بگوئیم. می بینید که عادت به راست گویی باعث می شود که روز به روز از نظر اخلاق و رفتار بهتر شویم. این نکته ای است که بزرگان دینی ما به آن بارها تأکید کرده اند. در حدیثی آمده است: «کسی که زبانش به راستی می گراید اعمالش پاک و پاکیزه می شود.» (امام صادق(ع)، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰۱)

اما چرا بعضی از ما دروغ می گوئیم. درست است که اگر خطایی کرده باشیم و بخواهیم راستش را بگوئیم، ممکن است زیان کنیم و به دردسر بیفتیم، اما آیا با دروغ بُرد می کنیم؟ با کمی دقت می بینیم که این گونه نیست؛ چرا که پرتگاه اصلی همین دروغ است. زیان دروغ بیشتر از ضرری است که ممکن است با راست گفتن به ما برسد. بیایید حساب کنیم؛ با دروغ گفتن از خدا نافرمانی کرده و گناه کرده ایم، گناه بزرگی هم کرده ایم. به علاوه با این کار از خدا دور شده ایم. چرا که خدا دروغ گویان را دوست ندارد. تازه مگر آثار مخرب دروغ همین هاست؟ نه. دروغ آثار منفی روانی هم دارد. غیر از این است که وقتی کسی دروغ می گوید با هر دروغ مدت ها در اضطراب و ترس لو رفتن دروغش به سر می برد. به علاوه فرد دروغ گو اعتماد دیگران را نیز از دست می دهد.

تجربه نیز این واقعیت را تأیید می کند. اگر با خدای خود قرار بگذاریم که جز راست نگوئیم، می بینیم کارهای غلط ما دانه به دانه کم می شود؛ چون با این تصمیم سعی می کنیم کاری انجام دهیم که نیازی به پنهان کردن آن با دروغ نباشد. به عکس دروغ گویی راه را برای بد شدن بیشتر هموار می کند. امام حسن عسگری(ع) فرموده است: «تمام پلیدی ها در اتافی قرار داده شده و کلید آن

داستان چوپان دروغ گو را که فراموش نکرده ای. یادت هست که بعد از چندبار دروغ گفتن دیگر مردم به او اعتماد نداشتند. حتی موقعی که بیچاره داشت راست می گفت.

دروغ است.» (بحارالانوار، ج ۹۶۱، ص ۳۶۲)

دلیل آن نیز روشن است. انسان های خطا کار خیال می کنند به راحتی می توانند خطاهای خود را با دروغ بپوشانند. با دروغ به خود اجازه می دهند که هر کار بدی را انجام دهند. اما راست گویی باعث درست شدن اخلاق و رفتار می شود. چه زیبا فرموده است امام علی(ع): «راست گویی دعوت به نیکوکاری می کند و نیکوکاری دعوت به بهشت.» (تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۱۴)

بله، اعتبار آدم ها به راستی حرف هایشان است. مگر سرمایه کمی است اعتبار؟ پس باید از ساده ترین دروغ ها بیش از ترسناک ترین راست ها ترسید. وقتی راست می گوئیم، راحت می شویم. اما دروغ گفتن تازه اول دردسر است؛ چون برای پوشاندن آن گناه ناچار می شویم دروغ های دیگری را نیز ردیف کنیم و در نتیجه در این باتلاق گناه بیشتر فرو برویم. پس همیشه راست بگوئیم. البته این توصیه به این معنی

دعوت به بهشت است. بیایید از امروز دروغ گفتن را ترک کنیم و پا در راهی بگذاریم که به بهشت ختم می شود.

نیست که هر چیز راستی را بگوئیم. بسیاری چیزها را نباید



یک سبد پشعرا

زیر نظر بابک نیک طلب

ذوق شکفتن

باغ، دلش خسته بود
پنجره را بسته بود

حال و هوایی نداشت
راه به جایی نداشت

تا که از آن راه دور
قاصدی از جنس نور

آمد و از عشق گفت
ذوق شکفتن، شکفت

باز هم از ذهن دشت
فکر شقایق گذشت

پنجره‌ای باز شد
زندگی آغاز شد

شاهین رهنما

وانت بهار

یک کلاغ پیر
روی شاخه‌ها
قار می‌زند

وانت بهار
سال تازه را
جار می‌زند

توی گوش باغ
باد تازه گفت
می‌رسد بهار

توی وانتش
میوه‌های فصل
سرخ و آبدار

کمال شفیعی

تصمیم ابر

ابر تصمیم گرفت
سبد زمزمه را
به خیابان ببرد
جوی خالی نفسش را تر کرد
کنده پیر درخت
خط پیشانی خود را وا کرد
توی هر خانه شکفت
سبد زمزمه‌ای

طاهره شهبابی

ترانه خورشید

می‌رسد بهار از راه
با تبسم خورشید
تاب می‌خورد گنجشک
روی شانه‌های بید

قاصدک به دوش باد
شادمانه می‌رقصد
روی شاخه‌ها، با شوق
هر جوانه می‌رقصد

من دلم پر از شوق است
گرم شعر و آوازم
خسته از نشستن‌ها
بی‌قرار پروازم

کاش می‌توانستم
چون پرنده‌ها باشم
در زلال این آبی
لحظه‌ای رها باشم

پر کشم به آن سوها
سمت خانه خورشید
پر شود گلویم باز
از ترانه خورشید

انیسه موسویان

با پرنده‌ها، درخت‌ها

غنچه‌ها یکی یکی
شکفته می‌شوند
عطرها شنبه می‌شوند.
با پرنده‌ها که می‌رسند
هیچ خانه‌ای
بی‌سرود نیست
رودخانه‌ها، دوباره زاده می‌شوند
بادها
پیاده می‌شوند.
گر چه باد
شانه‌های باغ را
تازیانه می‌زند
خوش به حال آن درخت
که بهار در دلش
جوانه می‌زند.

ایرج قنبری

افسانه بهار

محمدرضا شمس
تصویرگر: مجید صالحی

۱۲

نوجوان
گروهون ۱۳۸۱

مرد، تور طلایی محکمی بافته بود و پشت درختی خشک پنهان شده بود تا بهار از راه برسد و بهار، با پیراهنی پر از گل نزدیک می‌شد. نزدیک و نزدیک و نزدیک‌تر.

ناگهان مرد از پشت درخت بیرون پرید و تور را روی سر بهار انداخت. او را محکم گرفت، روی کولش انداخت و با سرعت از آنجا دور شد. بهار در میان تور دست و پا می‌زد. گل‌های پیراهنش یکی‌یکی کنده می‌شدند و روی زمین می‌ریختند.

مرد بهار را به خانه برد، در خانه را محکم بست، کلون آن را انداخت و بعد بهار را بیرون آورد. بهار نفس راحتی کشید. تمام خانه سبز و پر گل شد.

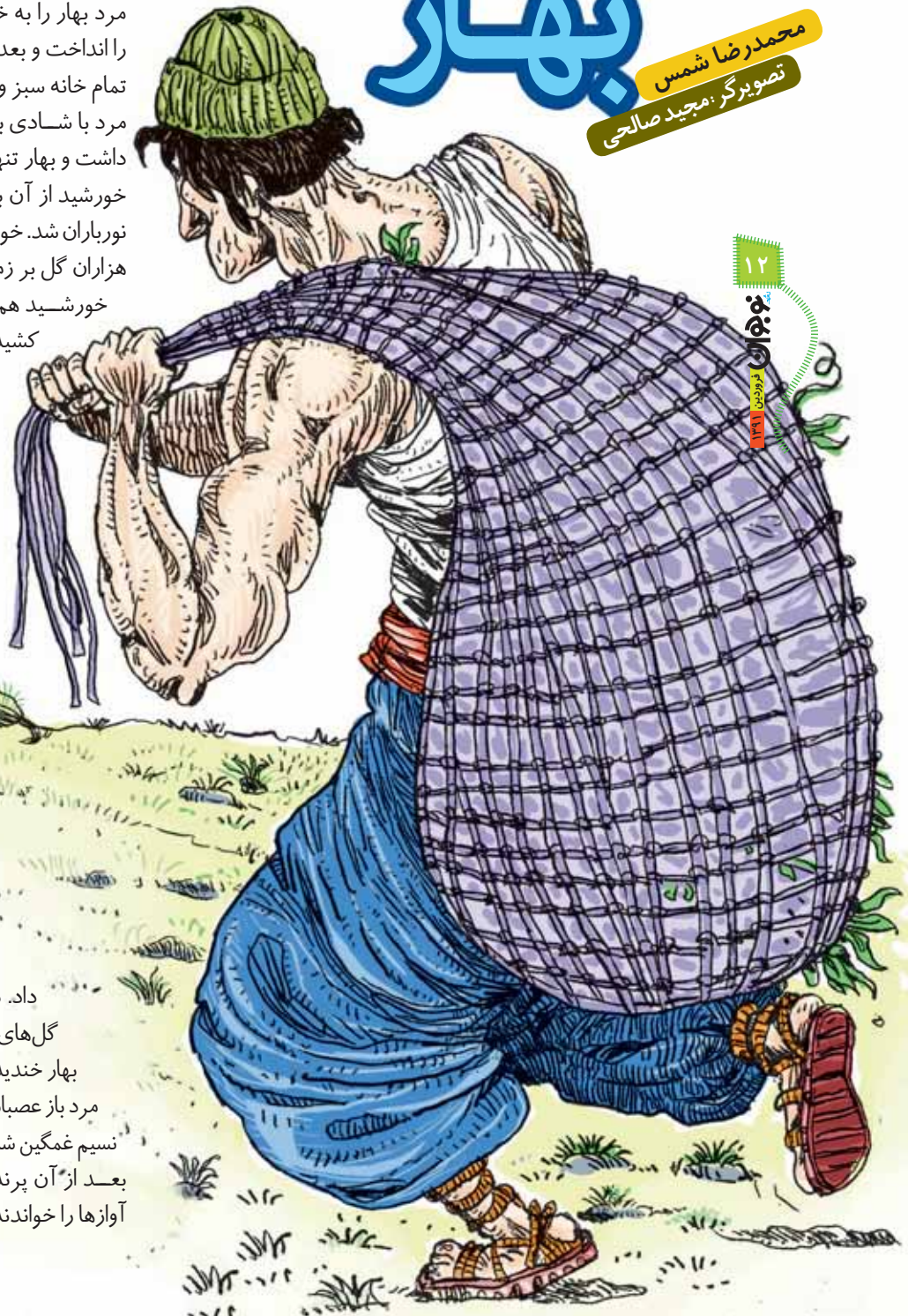
مرد با شادی بهار را تماشا می‌کرد. حالا او بهار را در خانه داشت و بهار تنها مال او بود.

خورشید از آن بالا بهار را دید. شادمان پایین آمد. خانه مرد نورباران شد. خورشید به بهار سلام داد. بهار خندید. از دهانش هزاران گل بر زمین ریخت. خانه مرد گل‌باران شد.

خورشید هم خندید. اما مرد عصبانی شد و جیغ بلندی کشید، بعد خورشید را از خانه‌اش بیرون کرد. بهار تنها مال او بود. او بهار را فقط برای خودش می‌خواست.

خورشید غمگین شد و بالا رفت.
بالا و بالا و باز هم بالاتر و
پشت ابر سیاهی
پنهان

شد ...
و بعد نسیم بود که آمد. به بهار سلام داد. دور او چرخید، موهایش را نوازش کرد و گل‌های پیراهنش را به بازی گرفت.
بهار خندید، عطر بهار در خانه پیچید. نسیم هم خندید، اما مرد باز عصبانی شد و فریاد کشید و نسیم را بیرون کرد.
نسیم غمگین شد. بوی تن بهار را برداشت و با خود بیرون برد ...
بعد از آن پرنده‌ها آمدند، به بهار سلام دادند و زیباترین آوازه‌ها را خواندند.





خانه از آواز شاد پرنده‌ها پر شد. بهار شادمان به آواز پرنده‌ها گوش می‌داد، اما مرد با عصبانیت آواز پرنده‌ها را گرفت و به آن دورها پرتاب کرد. پرنده‌ها غمگین به سوی آوازشان پریدند. بعد جیرجیرک‌ها آمدند و زنبورها و پروانه‌ها و کفش‌دوزک‌ها. مرد آن‌ها را هم بیرون کرد. آهوها و خرگوش‌ها و سنجاب‌ها را که اصلاً راه نداد و حتی آدم بزرگ‌ها را، با ساز و دهل‌ها و منقل‌های پر از اسفندشان. بچه‌ها هم نتوانستند به دیدن بهار بروند. آن وقت بادیادک‌هایشان را هوا کردند تا بهار را ببینند و برایشان از بهار بگویند. اما مرد بادیادک‌ها را هم از آن‌جا دور کرد ...

مرد یک‌سره فریاد می‌زد و جیغ می‌کشید، صورتش از شدت خشم باد کرده و قرمز شده بود.

بهار از ترس در گوشه‌ای کز کرده

بود و می‌لرزید. گل‌های پیراهنش

یکی یکی بر زمین می‌ریختند ...

از آن روز به بعد بهار

هیچ کس را ندید.

نه خورشید

وقت در گوشه‌ای نشست و دست‌هایش را زیر چانه‌اش گذاشت و زل زد به بهار که غصه خورده بود و مریض شده بود و رنگ از رویش پریده بود و کم کم زرد می‌شد. بهار آن قدر غصه خورد و زرد شد که گل‌های پیراهنش همه خشک شدند و مرد هم چنان در گوشه‌ای نشسته بود و دست‌هایش را زیر چانه‌اش گذاشته بود و زل زده بود به بهار.

بهار باز هم غصه خورد و آب شد و رنگش پرید و مثل برف سفید شد و لرزید و بعد آن قدر غصه خورد و سفید شد که مرد فکر کرد دیگر بهار او نیست. آن وقت او را برداشت و از خانه بیرون انداخت ...

بهار دلش گرفت. غصه‌اش شد. اشک در چشمانش حلقه زد. آن وقت داغ شد و سرخ شد و تنش مانند خورشید گر گرفت و سوخت. مرد اصلاً به فکر بهار نبود. او فقط مواظب بود کسی به دیدن بهار نیاید و بهار گر گرفته بود و تمام تنش یک‌پارچه می‌سوخت و روز به روز لاغرتر می‌شد و گل‌های پیراهنش یکی یکی می‌پژمردند ...

تا این که یک روز چشم مرد به بهار افتاد، اول او را نشناخت، حتی کمی هم ترسید، فکر کرد غریبه‌ای به آن‌جا آمده است، اما بعد از جا پرید و با عجله به طرفش رفت. بهار از حال رفته بود. مرد سرش را روی سینۀ بهار گذاشت. نفس بهار به سختی بیرون می‌آمد. مرد فکر کرد بهار تشنه است. برایش آب آورد. بعد فکر کرد گرسنه است، برایش غذا آورد. حتی به او گل‌گاوزبان و چهار تخمه هم داد. اما ...

را، نه نسیم را و نه

پرنده‌ها و بچه‌ها و بادیادک‌ها

را. تنها صورت باد کرده و قرمز

مرد را می‌دید که در گوشه‌ای می‌نشست و

مواظب بود تا کسی به دیدن او نیاید.

بهار دلش گرفت. غصه‌اش شد. اشک در چشمانش حلقه

زد. آن وقت داغ شد و سرخ شد و تنش مانند خورشید گر گرفت و سوخت.

مرد اصلاً به فکر بهار نبود. او فقط مواظب بود کسی به دیدن بهار نیاید و بهار گر گرفته بود و تمام تنش یک‌پارچه می‌سوخت و روز به روز لاغرتر می‌شد و گل‌های پیراهنش یکی یکی می‌پژمردند ...

تا این که یک روز چشم مرد به بهار افتاد، اول او را نشناخت، حتی کمی هم ترسید، فکر کرد غریبه‌ای به آن‌جا آمده است، اما بعد از جا پرید و با عجله به طرفش رفت. بهار از حال رفته بود. مرد سرش را روی سینۀ بهار گذاشت. نفس بهار به سختی بیرون می‌آمد. مرد فکر کرد بهار تشنه است. برایش آب آورد. بعد فکر کرد گرسنه است، برایش غذا آورد. حتی به او گل‌گاوزبان و چهار تخمه هم داد. اما ...

مرد به فکر فرو رفت. ساعت‌ها فکر کرد. فکر کرد و فکر کرد و باز هم فکر کرد، اما فکرش به جایی نرسید. آن

اما مرد تنها در خانه نشسته بود و باز هم یک تور محکم و طلایی می‌بافت، او بهار را فقط برای خودش می‌خواست! ...

مخترع تقویم

سید امیر سادات موسوی
تصویر گر: میثم برزا



خیام شاعر بسیار بزرگی
است. رباعی‌های خیام در
تمام دنیا مشهور است.



یکی از کارهای مهم خیام،
همین تقویمی است که ما
امروزه از آن استفاده می‌کنیم.
محاسبات این تقویم را خیام
انجام داده است که به آن
«تقویم جلالی» می‌گویند.



البته خیام بیشتر از آن که
شاعر باشد، ریاضی‌دان و
منجم است. جالب است که
مردم با کارهای علمی خیام
زیاد آشنایی ندارند.



ببینم حالا اگر تقویم
دقیق نباشد، چه اتفاقی
می‌افتد؟

بگذارید ماجرای
را برایتان تعریف
کنم...

ممکن است
تابستان‌هایش تعطیل
نیاشد و مجبور باشیم
تابستان‌ها هم به مدرسه
برویم.



انسان‌ها برای این که کارهایشان
را سر وقت انجام دهند، همیشه
به یک تقویم دقیق نیاز داشته‌اند.
تقویم جلالی نسبت به بقیه تقویم‌ها
از دقت بیشتری برخوردار است.

آها...
حالا درست
شدا!

برای حل این موضوع، مجبور
شدند که در آن سال، ده روز
از تقویم را حذف کنند. اما
تقویم خیام به علت دارا بودن
دقت بیشتر، با این مشکل
روبه‌رو نشد.



تقویمی که از گذشته‌های دور در اروپا رایج
بوده، دقیق نبوده است. چهارصد سال پیش،
متوجه شدند که این خطا، به مرور زمان
زیاد شده و بین روز اول بهار در تقویم و روز
اول بهار در واقعیت حدود ده روز فاصله
افتاده‌است.

غیر از تقویم جلالی، خیام کارهای
علمی فراوانی دارد. مثلاً در
یکی از کتاب‌هایش برای حل
معادلات درجه سوم راه‌حل‌های
هندسی ارائه کرده است.



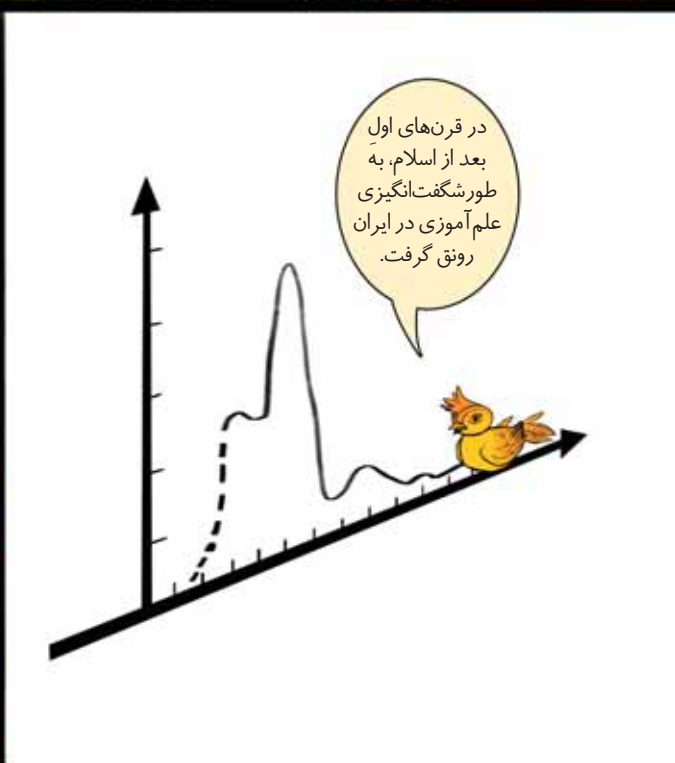
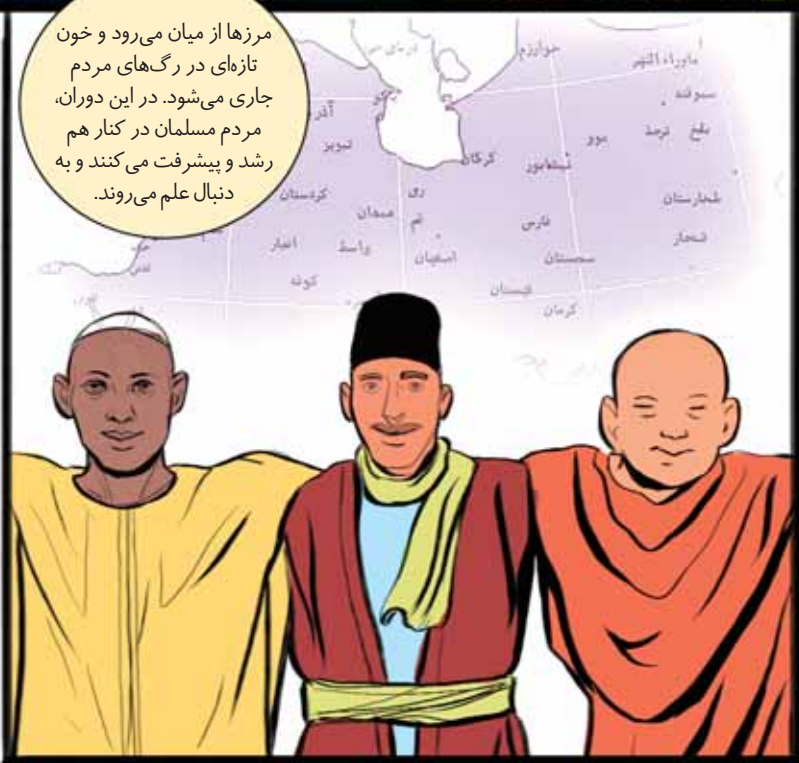
معادله
درجه سه چیه؟

نمی‌دونم! فکر کنم
خیلی سخت باشه.

بچه‌ها این‌جا را ببینید! این شروع یکی
از کتاب‌های خیام است. نوشته: «همانا
تحصیل دانش با دلیل و برهان، برای
همه کسانی که به دنبال نجات و سعادت
ابدی هستند، جزو واجبات است.»

ا... چه جالب!
درست مثل نماز.





این جا خانه «جرج سارتن» است. خیلی ها او را به عنوان پدر تاریخ علم می شناسند.

من در این کتاب هر پنجاه سال را به نام بزرگترین دانشمند این دوره نام گذاری کرده‌ام.

پژوهش های من در جلد اول کتابم به وضوح نشان می دهد که بیش از سه قرن، برتری فکری کاملا در اختیار مردم مسلمان بوده و پس از آن به مرور این برتری به اروپا منتقل شده است.

نیمه اول قرن ۱۰ م:
عصر مسعودی

نیمه دوم قرن ۱۰ م:
عصر ابوالوفا بوزجانی

نیمه اول قرن ۱۱ م:
عصر ابوریحان بیرونی

نیمه دوم قرن ۱۱ م:
عصر خنیا

نیمه دوم قرن ۸ م:
عصر جابر بن حیان

نیمه اول قرن ۹ م:
عصر خوارزمی

نیمه دوم قرن ۹ م:
عصر زکریای رازی

مقدمه ای بر تاریخ علم
جرج سارتن

مقدمه ای بر تاریخ علم
جرج سارتن بخش اول از جلد دوم

بچه ها رسیدیم.
حرم امام رضا (ع) معلومه!

السلام علیک یا
علی بن موسی الرضا (ع).

طلای سیاه

صنعت پتروشیمی در یک نگاه



۱۸

نوجوان

گروه دانش ۱۳۹۱



خوشنویسی با خودکار
برای آن‌هایی
که می‌خواهند با خط
خرچنگ و قورباغه
خداحافظی کنند.
ادامه شماره قبل

کتابت با بنیاد



می گویند ماهی‌ها تا وقتی از آب بیرون نیامده‌اند، ارزش آن را حس نمی‌کنند. اما ما باید ارزش نفت را بدانیم. این ماده حیاتی بسیار با ارزش‌تر از آن است که سوزانده شود. برای همین مسئولان تلاش می‌کنند، صادرات نفت را تا جای ممکن کاهش دهند. امروز صادرات نفت کشورمان تقریباً یک سوم مقداری است که در زمان رژیم پهلوی صادر می‌شد.

همه این محصولات فرآورده‌های پتروشیمی یا همان شیمی نفت هستند. ارزش نفت به قدری است که به آن طلای سیاه می‌گویند.

میلیون‌ها سال طول کشیده است که بقایای جانوران و گیاهان در لایه‌های زیرین زمین، بر اثر فشار و حرارت تبدیل به نفت شود.

اولین چاه نفت دنیا ۱۵۳ سال پیش در پنسیلوانیای آمریکا حفاری شد.

اولین چاه نفت ایران حدود صد سال پیش در «مسجد سلیمان» از توابع استان خوزستان حفاری شد. اکتشاف نفت، چهره دنیا را دگرگون کرد و کاربردهای آن هر روز افزایش یافت.

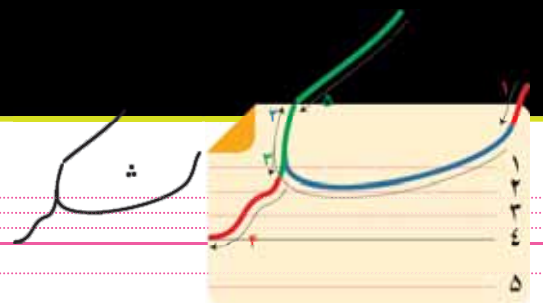
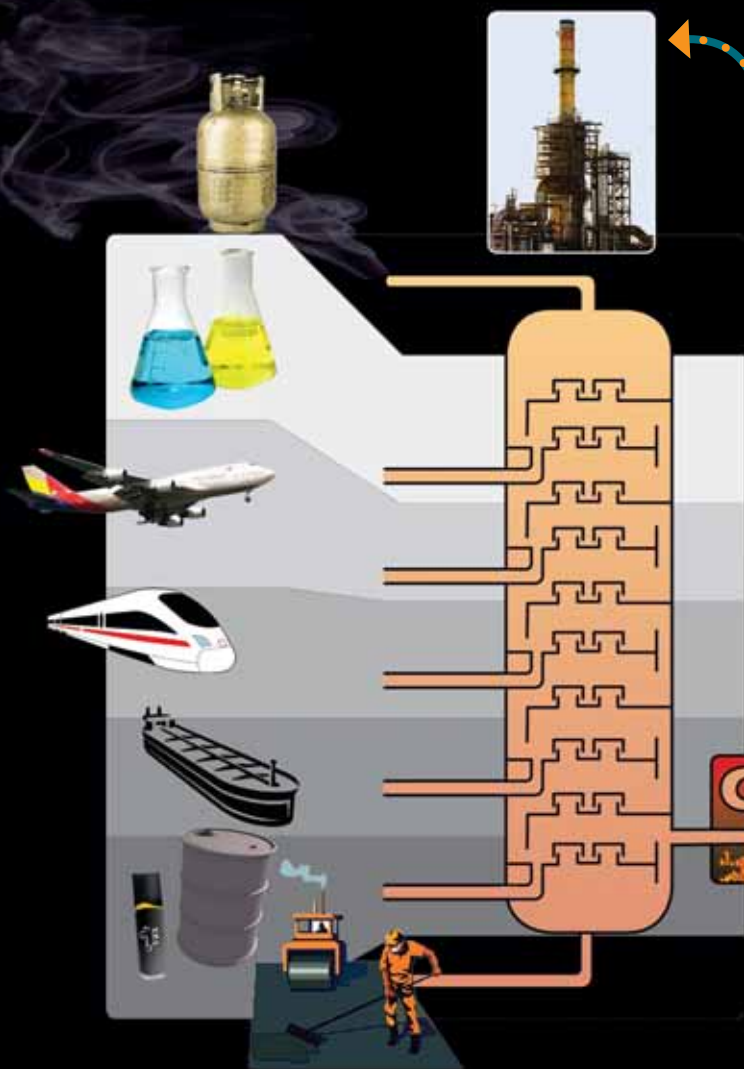
حدود یک سوم نفت دنیا از خلیج فارس و اطراف آن استخراج می‌شود. این موضوع، تنگه هرمز را به گذرگاهی حیاتی و حساس تبدیل کرده است. اگر تنگه هرمز بسته شود، نفس کشورهای صنعتی بند می‌آید.

فرض کنید مقداری خاک نرم، ماسه و قلوه‌سنگ را با هم مخلوط کرده‌ایم. برای جداسازی این‌ها باید سه نوع توری فلزی استفاده کنیم. برای جداسازی خاک نرم، سوراخ‌ها باید خیلی ریز باشند، برای جداسازی ماسه باید کمی درشت‌تر باشند و برای جداسازی قلوه‌سنگ‌ها باز هم درشت‌تر.

● داخل این برج بلند هم تقریباً همین اتفاق برای نفت می‌افتد. نفت خام ترکیب پیچیده‌ای دارد. بعضی مولکول‌های آن خیلی سبک هستند و برخی خیلی سنگین و از این رو دمای تبخیر آن‌ها با هم فرق دارد.

برای جداسازی این مواد مختلف نفت خام را حرارت می‌دهند. آن‌هایی که سبک‌تر هستند در قسمت‌های بالاتر جمع می‌شوند و آن‌هایی که سنگین‌تر هستند، پایین‌تر می‌مانند. سپس با تجهیزات ویژه‌ای این مواد جدا شده را از داخل برج به بیرون هدایت می‌کنند.

برخی از این مواد به‌طور مستقیم قابل مصرف هستند. اما بخشی دیگر مواد اولیه صنایع پتروشیمی است. امروز تمدن بشر چنان به محصولات پتروشیمی وابسته شده که می‌توان آن‌را با وابستگی ماهی به آب مقایسه کرد.



English Fun

Mohamad Ali Ghorbani

Illustrator: Sam Salmassi



Vahid was saying his prayers. God bless my mum and dad and please make Karbala the capital of Iraq.

Why did you say that, Vahid? asked his mother.

Because that's what I wrote in my exam, explained Vahid.

Father: Aren't you first in anything at school?

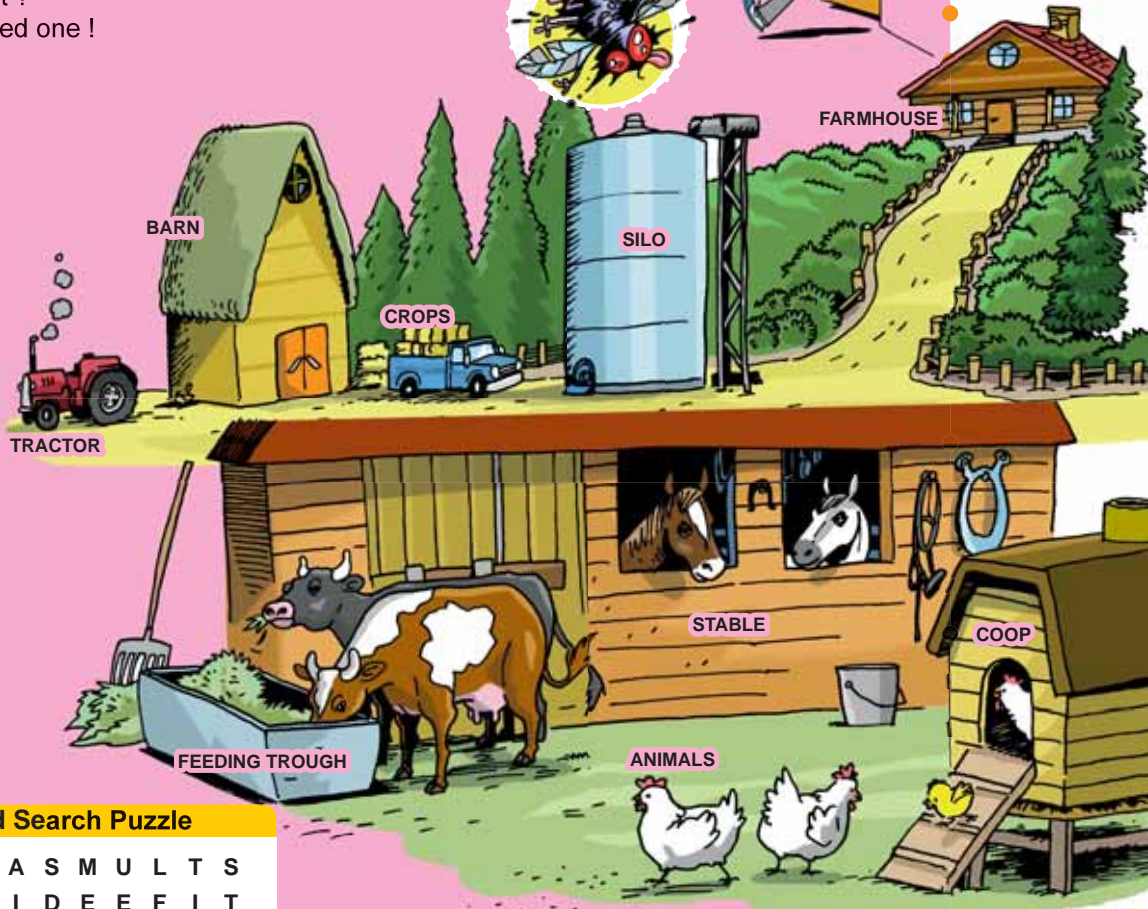
Son: Sure, Dad. I'm first out when the bell rings!

Teacher: If there are seven flies on a desk and I hit one with a ruler, how many are left?

Pupil: Just the squashed one!

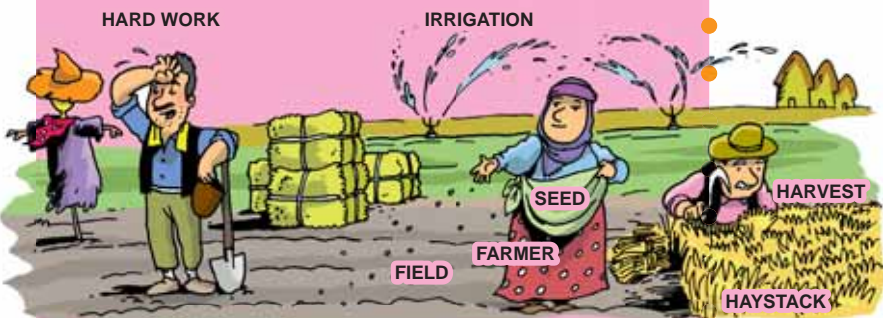


ON THE FARM WORD LIST



On The Farm Word Search Puzzle

A B A N R N I S A S M U L T S
 H G U O R T G N I D E E F I T
 A P U I R P R O S E F E T A A
 Y R M T B A K U H I L R D N B
 S D I A B N R C G A A S I K L
 T A N G F D O A R C R M E C E
 A U K I S O W E T D A V T O O
 C H E R P O D O S L U S E T E
 K L A R O N R I S P M A L S S
 D O E I R F A R M H O U S E T
 A C O C A V H E R E D R W V O
 R K P R N L A C C E O R C I O
 S T M O R E A G T E O F V L E
 H E I C L E F S A I N D I E Q
 R U I P M Y T S G I P S E N T



بهترین بابای دنیا

محمود پوروهاب تصویرگر: وحید خاتمی



به بازی بچه‌ها نگاه می‌کرد، به لباس تازه آن‌ها. دلش گرفت و بُعض کرد. با خودش گفت: «کاش بابایم زنده بود. اگر او زنده بود من در این روز عید، کفش و لباس نو داشتم و می‌توانستم مثل آنان شاد باشم و بازی کنم، ولی...» اشک از چشمانش سرازیر شد. ناگهان چشمش به مردی افتاد. گویا از دور مواظبش بود. مرد به سویش می‌آمد. نزدیک که شد، او را شناخت. او محمد، پیامبر خدا بود. پیامبر (ص) با مهربانی روبه‌رویش نشست، دست او را در دست‌هایش گرفت و پرسید: «چرا گریه می‌کنی؟» پسرک گفت: «بابایم در جنگ شهید شده، من و مادرم خیلی فقیریم. کسی نیست از من مواظبت کند. کفش و لباس نو ندارم. بچه‌ها مرا مسخره می‌کنند و مرا بازی نمی‌دهند.»

پیامبر (ص) با شنیدن این حرف خیلی غمگین شد. پسرک را در آغوش گرفت، بوسید و گفت: «ناراحت نباش از امروز من پدر تو هستم و دخترم فاطمه خواهرت.»

پسرک خیلی خوشحال شد. به سوی بچه‌ها دوید و داد زد: «آهای بچه‌ها، دیگر مرا مسخره نکنید، من هم بابا دارم. بابای من بهترین بابای دنیاست.»

پیامبر (ص) خندید، دست پسرک را گرفت و به خانه دخترش فاطمه برد. وارد خانه که شد سلام کرد و گفت: «دخترم، این بچه ما و برادر توست. [امروز او مهمان ماست] از او خوب نگاه‌داری کن.» فاطمه (س) به پسرک لبخند شیرینی زد. بعد

لباس تمیز و قشنگی به او پوشاند و موهایش را شانه کرد. پسرک با تعجب به او و بچه‌هایش چشم دوخته بود. فاطمه کاسه‌ای خرما جلوی او گذاشت و با مهربانی گفت: «حسن و حسین عزیزم، بیایید با این پسر خوب، خرما بخورید.» بچه‌ها کنار او نشستند. پسرک خندید. او دیگر احساس تنهایی نمی‌کرد. حسن و حسین نیز از آشنایی با او خوشحال شدند. این سرآغاز دوستی آن‌ها بود. دوستی‌ای که در روز عید بسته شد.

سفر دریایی مسافرتی هیجان‌انگیز است. برای این مسافرت می‌توان از وسایل مختلفی؛ مانند قایق پارویی، قایق‌های موتوری یا بادبانی یا کشتی‌های بزرگ مسافربری استفاده کرد. آیا می‌دانید برای ساختن این وسایل شناور، با توجه به بدن موجودات آبی کوچک و بزرگ چه محاسبه‌های دشواری انجام شده است؟!

تیوپ‌پر باد

اگر به تالاب انزلی در استان گیلان مسافرت کرده باشید، برگ‌های پهن سبز رنگی را روی آب دیده‌اید که آن را نیلوفر آبی می‌نامند. درون برگ‌های نیلوفر آبی حباب‌هایی پر از هوا وجود دارد که کمک می‌کند این گیاه روی آب شناور بماند. ساختمان این گیاه مانند تیوپ‌های پربادی است که ممکن است شما هم برای شناور بودن روی آب استخر یا دریا از آن استفاده کرده باشید.

قایق بادبانی

جنگجوی پرتغالی نام نوعی زله‌ماهی است که حفره‌ای پر از گاز دارد. این جانور بی‌مه‌ره دریایی به کمک حفره گازی می‌تواند روی آب اقیانوس‌ها حرکت کند یا شناور بماند. بدن این جانور مانند یک قایق بادبانی عمل می‌کند. این حباب پر از هوا که به رنگ آبی یا بنفش است وقتی در مسیر جریان باد قرار می‌گیرد، مانند یک بادبان به سمت وزش باد خم می‌شود و جانور می‌تواند به آن سمت حرکت کند.



زندگی روی آب

ملیکا قلیچ پور

پاروزنان ماهری

لاک پشت دریایی از پاروزنان ماهری است که مانند قایق‌رانان مسابقات، به طور منظم از پا و دست پارویی خود برای جلو رفتن و شناور ماندن بر روی آب استفاده می‌کند.





قایق پارویی کوچک

سوسک قایق‌ران، بدن مقعری (فرورفته) مانند قایق دارد. این حشره همیشه بر عکس روی آب قرار می‌گیرد و به کمک پاهای عقبی که مانند پاروهای پهنی هستند و پشت بدنش که شبیه کف قایق است، روی آب شنا می‌کند.

خداوند در آیه ۳۱ سوره لقمان ما را به توجه در شگفتی شناوری کشتی و جانوران شناور در آب فرامی‌خواند: «الْم تَرَ اَنَّ الْفَلَکَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِیُرِیْکُمْ مِنْ اٰیٰتِہٖ اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لٰیٰتٍ لِّکُلِّ صَبَّارٍ شٰکُوْرٍ»
(آیا ندیدی که چگونه کشتی به نعمت الهی در دریا روان است تا خداوند بعضی از آیات خود را به شما نشان دهد، مسلماً در این [دریا و کشتی] نشانه‌هایی از علم و حکمت الهی است برای شکیبایان و شکرگزاران).

کیسه‌شنا

اغلب ماهی‌ها درون بدنشان کیسه‌ای پر از هوا به نام کیسه‌شنا دارند. بر خلاف توتیا یا نیلوفر آبی که کیسه‌پر از هوا موجب شناوری آنها روی آب می‌شود، ماهی‌ها برای رفتن به عمق آب، کیسه‌شنای خود را از هوا پر می‌کنند؛ زیرا در عمق آب نیروی فشار آب زیاد است و ممکن است بدن ماهی مچاله شود. این دسته از ماهیان زمانی که قصد دارند روی سطح آب شناور بمانند کیسه‌شنا را به آرامی از هوا خالی می‌کنند تا به سطح آب برسند.

شناوری با روغن

حتما می‌دانید که روغن سبک‌تر از آب است و روی آب می‌ماند. کوسه‌ها کیسه‌شنا ندارند. آنها با تنظیم روغن موجود در کبدشان و با شنای سریع و مداوم می‌توانند در آب شناور بمانند، به سطح آب بیایند و خلاصه خود را از فرورفتن در اعماق آب نجات دهند.



گنبد کاووس

شهر آب و آفتاب

زهرة کریمی عکس: رضامعتمدی

این شهر دیدنی استان گلستان نام خود را از قابوس بن وشمگیر- از حاکمان آل زیار در قرن پنجم هجری - گرفته است. پایتخت حکومت آل زیار و آل بویه شهری به نام جرجان بود که بر اثر حمله مغولها و زلزله ویران شد و شهر جدید گنبد کاووس یا گنبد قابوس در کنار ویرانه‌های آن بنا شد. این شهر با کشور ترکمنستان هم‌مرز است. دو رودخانه مهم اترک و گرگان رود از این خطه عبور می‌کنند و آب و هوایی مرطوب و معتدل دارد. پرورش دام و اسب ترکمنی که شهرت جهانی دارد، در این منطقه رایج است. گلیم‌بافی، سوزن‌دوزی، دوتار سازی، قالیچه و قالی سرخ‌رنگ ترکمنی از صنایع دستی و سوغات این شهر است.



۲۴

په‌مان گوروشن ۱۳۹۱

بازارچه مرزی اینچه‌برون

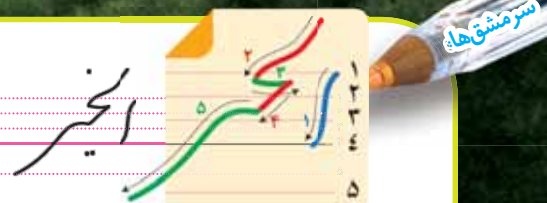
در مرز ترکمنستان و گنبد کاووس بازاری وجود دارد که مردم ترکمنستان و گنبد در این منطقه کالاها را خود را مبادله می‌کنند.

برج قابوس

بلندترین برج آجری دنیاست که در قرن پنجم به امر قابوس بن وشمگیر روی تپه‌ای بنا شد. ارتفاع این برج از سطح زمین هفتاد متر است.

امامزاده یحیی بن زید (ع)

از نوادگان امام حسین (ع) که در نزد مردم از احترام خاصی برخوردار است.



مختوم‌قلی فراغی

به پدر شعر ترکمن مشهور است. ۲۷۷ سال پیش در روستایی در گنبد کاووس به دنیا آمد. مختوم‌قلی در شعر ترکمن با فردوسی در زبان فارسی قابل مقایسه است. در اواخر خردادماه هفته شعر مختوم‌قلی در زادگاهش برگزار می‌شود. مختوم‌قلی بیت زیر را در وصف امام حسین(ع) سروده است.

فاطمه زهرا دیر آئینگانه‌سی

ذاتینده بیر ذره یوقدور گناه‌سی

فاطمه زهراست مادرش

آن که نیست ذره‌ای گناه در ذاتش

طرح آرامگاه مختوم‌قلی ترکیبی از گل‌وحشی و آلاچیق ترکمن است.

مجموعه سوار کاری

در گنبد کاووس مسابقات اسب‌دوانی در پاییز و بهار انجام می‌شود و علاقه‌مندان زیادی از سراسر کشور در این مسابقات شرکت می‌کنند. این مسابقات در خاورمیانه نیز معروف است.

تالاب آلاگل

در فاصله مرز ترکمنستان با گنبد قرار دارد. آب آن از رود اترک تأمین می‌شود و شور است. آلاگل مکانی برای پرندگان مهاجر و پرورش ماهی سفید و کپور است.

تالاب آماگل

به معنی دریاچه سیب؛ این تالاب آبی شیرین دارد.

تالاب آجی گل

آب آن به وسیله اترک تأمین می‌شود. این سه تالاب جزو تالاب‌های بین‌المللی هستند و هر سه در نزدیکی هم قرار دارند.

۲۵

مهرگان

فروردین ۱۳۹۱

گلچین

چیزی نمانده به آغاز

ای سال!
ای ماه!
ای روز!
ای ساعت!
ای دقیقه‌ها!
و ای ثانیه‌ها!

همیشه با خود فکر می‌کنم: چرا؟ کی؟ چه زود آمدی و رفتی!

چشم بر هم گذاشتم و روزهای تلخ و شیرینم تمام شد. انگار همین دیروز بود که سال نو آغاز شده بود. انگار همین چند ساعت پیش بود که صدای توپ و شیپور را می‌شنیدم و شور و هیجان را در تلویزیون می‌دیدیم. انگار همین دیروز بود که سال جدید تحویل شد و حالا رسیده به آخر. بله، رسید به ما، آخر! ماهی که خاطراتش از همه ماه‌های دیگر به یاد ماندنی‌تر است، چون آخرین ماه سال است.

اسفند شد و هنوز خانه‌تکانی ما آغاز نشده. منظورم خانه‌تکانی قلبی است؛ قلبی که دوازده ماه خاطره را در خود جای داده و چند روز دیگر یک‌سالش به سر می‌رسد. باید جنبید، چیزی نمانده به سال جدید!

سیده معصومه اندرامی / ساری

به کلاس درس

یکی بس چموش و یکی هم خموش
یکی هم سرش خالی از هر چه هوش
یکی شیک و خوش تیپ بار آمده
یکی اول صبح خماری آمده
یکی توی دستش دو سه تا کتاب
یکی توی ماشین باباش خواب
یکی گل، یکی خل، یکی بی‌حواس
همه گرد هم آمده در کلاس
یکی تیزهوش و یکی هم ملنگ
یکی بر درخت است مثل پلنگ
نشستند با هم در این انجمن
همین‌ها که از انتها اولن!

آرمین رستمی / تهران

چند کلمه با شما

- مطالب هر شماره «رشد نوجوان» از چند ماه زودتر آماده می‌شود. بنابراین مطالب مربوط به مناسبت یا فصل را چند ماه قبل‌تر بر ایمان بفرستید.
 - اگر مطلب جذابی خوانده‌اید و با فرستادن آن برای مجله می‌خواهید دوستانتان را در لذت خواندنش شریک کنید، حتماً نام دقیق منبع (اسم کتاب، نام نویسنده و مترجم، نام ناشر) را بنویسید.
 - در پایین اثر، نام کامل خود را به‌همراه سن و پایه تحصیلی یادداشت کنید.
- اگر در مطلب‌تان از سطر یا سطرهایی از نوشته کسی دیگر استفاده کرده‌اید، حتماً آن بخش‌ها را داخل گیومه بگذارید و در انتهای مطلب به نام نویسنده و متن‌موردنظر اشاره کنید.
- از فرستادن مطلب از کتاب‌های درسی خودداری کنید. دوستان شما هم این مطلب را خوانده‌اند و چاپ دوباره‌شان در مجله دلیلی ندارد.

زیر ذره بین

بهار آمد دگرگون گشته عالم
ز شادی چتر خود بر سر گشادم

تو ای مرغ خوش آواز اسیرم
تو ای بلبل شاد با سرورم

تو ای ابر پریشان محفل من
تو ای ماه پدیدار گشته در من

همه ای مرغ و ماه و ابر و خورشید
به این زیبایی خود دیده دوزید

که این‌ها تک به تک فصل بهارند
پدید آورنده گل و نهالند
پویا حمیدیان / تهران

شعرت اسم نداشت و اگر توصیه‌های «زیر ذره بین» به نوجوانان را مطالعه کرده باشی، حتماً می‌دانی که ما پیشنهاد می‌کنیم نوجوانان برای نوشته‌هایشان اسمی انتخاب کنند؛ همان‌طور که هر آدمی نامی دارد و این نام، بخشی از شناسنامه او محسوب می‌شود.

بخش‌هایی از شعر که با رنگ دیگر مشخص شده، مربوط به کلمه‌هایی است که امروز دیگر به این شکل مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛ در واقع تو از شکل قدیمی کلمه‌ها استفاده کرده‌ای که حتی اگر مردم معنی‌اش را بدانند، اما چون از آنها چندان استفاده نمی‌کنند، برایشان ملموس نیست.

دو کلمه‌ای که به شکل سیاه از بقیه شعر متمایز شده نیز دچار مشکل یکسانی است: هر دوی این کلمه‌ها به دلیل جا نشدن در وزن، شکسته شده و از شکل طبیعی و معمولشان خارج شده‌اند.

مصرع‌های بهره‌مند از وزن عروضی نشان می‌دهد که تو تا حدود زیادی با وزن آشنایی، اما هنوز اشکال‌هایی در این بخش شعرت دیده می‌شود، مثل بیت چهارم که از نظر وزنی دچار مشکل است.

و در نهایت مهم‌ترین نکته مربوط می‌شود به حرفی که شاعر در این شعر برای مخاطبش دارد. به نظر می‌رسد شعر تو در بردارنده حرف و نگاهی تازه نیست؛ دلیل این اتفاق احتمالاً تصویری است که تو از شعر در ذهن داشته‌ای. شعر مجموعه‌ای از حرف‌های قلنبه و سلنبه و کلمه‌های سخت نیست. شعر گاهی اتفاقی پیش‌پاافتاده و ساده است؛ تنها باید آن را دید و کشفش کرد. موفق باشی!





سه دویستی بهاری
از سفره هفت سین پیاموز!
 دو لیوان آب در کیسه فریزر
 دو تا ماهی قرمز با کمی قر
 بیا تغییر کن در سال تازه
 که حتی سبزه هم مویش شده فر
حسین تولائی

سین به جای سین
 چه زیبا سفره‌های! مادر چه چیده!
 کسی در خواب هم آن را ندیده
 به جای سین هفتم در میانش
 نشسته خواهر خوبم، سپیده
زیتاملکی

دعای سال نوی نوجوان
 تو که کردی درختان را تناور
 تو که دادی به آنها شاخه و بر
 خدایا! یا خدا! کاری بکن که
 شود عیدی ما هم صد برابر
عباس ترین

دانش آموز: «تا آن‌هایی که خوابشان برده، بیدار نشوند!»
 تلفن مدرسه زنگ زد و آقای مدیر گوشی را برداشت:
 «بله، بفرمایید!»
 - «سلام آقای مدیر، می‌خواستم بگویم امروز پسر من
 مریض است و نمی‌تواند به مدرسه بیاید.»
 مدیر: «بیخشید شما؟»
 - «... پدرم هستم!»

دانش آموز: «اجازه؟ شما مرا برای کاری که نکرده‌ام، تنبیه
 می‌کنید؟»
 معلم: «معلوم است که نه! چه طور؟»
 دانش آموز: «آخر من امروز تکالیفم را انجام نداده‌ام!»

معلم: «چرا در امتحان از روی برگه بغل‌دستی‌ات تقلب
 کردی؟»
 دانش آموز من و منی کرد و گفت: «ما؟ برای چی این
 حرف رومی‌زنید؟»
 معلم: «چون او در جواب سؤال سوم نوشته "بلدنیستم" و تو
 نوشته‌ای "من هم همین‌طور"!»

معلم: «جمله "امروز روز امتحان است" چه زمانی است؟»
 دانش آموز: «زمان خیلی بدی است!»



زیر خط آهن

محمد علی قربانی

فقر آهن و علایم آن

● آنمی

غذایی پرهیزید؛ چون این نوشیدنی‌ها جذب آهن در بدن را دشوار می‌کنند ولی برعکس مصرف ویتامین ث همراه غذا جذب آهن را در بدن افزایش می‌دهد.

● نشانه‌های کم‌خونی

- رنگ پریدگی پوست مخصوصاً در نوک انگشتان، لب‌ها، دور چشم و زبان
- خستگی، بی‌حالی، ضعف
- تنگی نفس فعالیتی
- سرگیجه
- افزایش تعداد نبض

● راه‌های جلوگیری از کم‌خونی ناشی از فقر آهن

- دریافت کافی آهن
- افزایش جذب آهن
- رفع (بیماری‌های انگلی، خونریزی و... راهکارهای مبارزه با کمبودهای غذایی)
- مصرف مکمل‌های غذایی
- تعدیل و تنوع غذایی
- آموزش تغذیه

● چگونه می‌توان آهن بیشتری جذب کرد؟

۱. خوردن ویتامین ث (اسید سیتریک و اسید اسکوربیک) که در این مواد وجود دارد. آلو، خربزه، ریواس، انبه، گلابی، طالبی، گل کلم، سبزی‌ها، آب پرتقال، لیمو شیرین، لیمو ترش، سیب و آناناس سرشار از این ویتامین هستند.
- ۲- مصرف اسید مالیک و اسید تارتاریک که در هویج، سیب زمینی، چغندر، کدوتنبیل، گوجه‌فرنگی، کلم پیچ و شلغم وجود دارند.
- ۳- افزودن محصولات تخمیری مثل سس سویا به سبب غذایی.

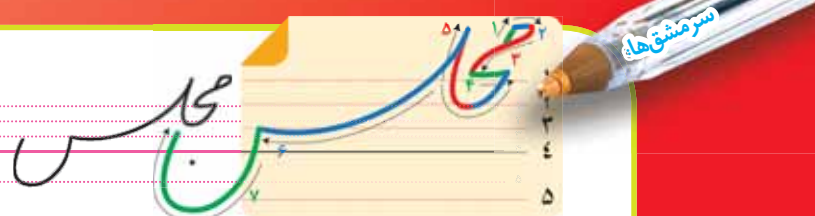
از بیماری‌های شایعی است که گروه‌های مختلف سنی را درگیر می‌کند. «آنمی یا «کم‌خونی» همان فقر آهن است. در این بیماری هموگلوبین و گلبول‌های قرمز خون کاهش می‌یابند. در اثر کاهش هموگلوبین، ظرفیت حمل اکسیژن نیز پایین می‌آید. آهن یکی از عناصر اصلی و ضروری ساخت هموگلوبین است. هموگلوبین، پروتئینی رنگی است که در حمل اکسیژن از هوای بیرون به داخل ریه و سپس به گردش خون و در نهایت رساندن اکسیژن به بافت‌ها نقش دارد. رنگ قرمز گلبول‌ها نیز به خاطر وجود هموگلوبین است.

● عوامل کم‌خونی

تولید ناکافی گلبول‌های قرمز در مغز استخوان و کمبود آهن و بیماری‌هایی از قبیل لوسمی، تالاسمی، از دست رفتن خون به مقدار زیاد و عفونت‌ها، همگی از جمله علت‌های به وجود آورنده کم‌خونی هستند. زمانی که آهن کمی به بدن برسد، یا دفع آهن از بدن زیاد باشد، این بیماری به وجود می‌آید. کم‌خونی در سنین مختلف دیده می‌شود. اختلالات تغذیه‌ای دانش‌آموزان می‌تواند باعث کمبود آهن شود. کمبود آهن ضعف، رنگ پریدگی، بی‌حالی و در موارد شدیدتر تپش قلب، تنگی نفس و سردرد را در پی دارد.

● آهن خوراکی

همهٔ نوجوانان باید به اندازهٔ کافی مواد حاوی آهن به خصوص گوشت قرمز مصرف نمایند. غذاهای غنی از آهن عبارت‌اند از: گوشت قرمز، ماهی، مرغ، زرده تخم مرغ، جگر، قلوه، سبزی‌های دارای برگ سبز تیره مثل اسفناج تازه و جعفری، حبوبات مثل عدس و لوبیا، آجیل و خشکبار مثل انواع برگه، برگه آلو و هلو و زرد آلو، توت خشک، انجیر خشک و کشمش. راستی یادتان باشد از نوشیدن قهوه و چای همراه با وعده‌های



● توصیه‌های زیر را به کار بندید :

- ۱- از غذاهای غنی از آهن استفاده کنید.
- ۲- مصرف منابع غذایی حاوی ویتامین در هر وعده غذایی ، برای جذب بهتر آهن (مثل پرتقال، گریپ فروت، گوجه‌فرنگی، کلم، توت‌فرنگی، فلفل سبز و لیمو ترش)
- ۳- گنجاندن گوشت قرمز، ماهی یا مرغ در برنامه غذایی .
- ۴- پرهیز از مصرف چای و قهوه همراه یا بلافاصله بعد از غذا
- ۵- برطرف کردن مشکلات گوارشی و یبوست
- ۶- تصحیح عادات غذایی غلط (مثل خوردن مواد غیر خوراکی مانند خاک، یخ)
- ۷- مشاوره با پزشک و متخصص تغذیه برای پیشگیری به موقع یا بهبود کم‌خونی
- ۸- استفاده از نان‌هایی که از خمیر ورآمده تهیه شده‌اند
- ۹- استفاده از خشکبار مثل توت خشک، برگه آلو، انجیر خشک و کشمش که منابع خوبی از آهن هستند.
- ۱۰- استفاده از غلات و حبوبات جوانه‌زده .

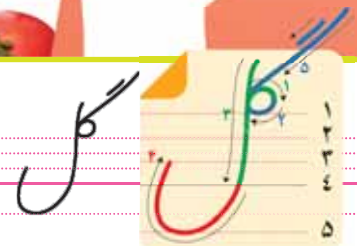
- ۱۱- شست‌وشو و ضد عفونی کردن سبزی‌هایی که استفاده می‌کنید.
- ۱۲- شستن کامل دست‌ها با آب و صابون قبل از تهیه و مصرف غذا و پس از رفتن به دستشویی .

● مسمومیت با آهن

باید مراقب باشیم. چون مصرف بیش از حد آهن می‌تواند به کلیه، کبد و ریه صدمه بزند و موجب مسمومیت شود.

منابع

1. www.vitaminuk.com
2. www.betterhealth.vic.gov.au
3. www.medicinenet.com
4. www.healthcastle.com





لاک پشت های متحرک

نوشته: سپیده فتحی



● سپس نخي را به دور قرقراهي كه كش از آن رد شده، بپیچید و گره بزنید و بعد نخ را دور قرقره بپیچید.

● دو سر كش را از سوراخهاي دو طرف لاک رد کنید (مطابق عكس) و با چوب كبريت نگه دارید.

● سر ديگر نخ قرقره را از سوراخ بالاي لاک رد کرده و يك حلقه به آن وصل کنید

● سر و دم لاک پشت را بسازید و به آن متصل کنید.

● حالا با کشیدن و رها کردن نخ قرقره توسط حلقه، می‌توانید حرکت لاک پشت را ببینید.

* با تشکر از بچه‌های مدرسه راهنمایی محدثه و هانی.

● برای درست کردن لاک لاک پشت متحرک می‌توانید از چندین وسیله مختلف استفاده کنید. برای مثال، پوست نارگیل را با کمک بزرگ‌ترها برش دهید و از نیمه آن استفاده کنید. یا آن را با ظروف دورریختنی مثل ظرف بستنی یا ماست درست کنید.

یا روش پایدماشه (مقداری روزنامه باطله را به کمک چسب چوب لایه‌لایه روی یک کاسه یک‌بار مصرف بچسبانید.) را به کار ببرید.

● دو طرف لاکي را که ساخته‌اید و همان‌طور بالای آن را سوراخ کنید.

● سپس قرقره را مطابق شکل از هر دو طرف برش بزنید.

● کش پول را از محل‌های برش، عبور دهید و دو سر آن را آزاد بگذارید.

مواد و ابزار لازم:

● کش پول

● قرقره

● کاتر

● پوست نارگیل یا مواد لازم برای

پایدماشه یا ظروف دورریختنی

● چوب كبريت

● حلقه فلزي



آموزش هیدرولیک

عکس: علی خوش جام

«هیدرو» کلمه‌ای یونانی به معنای جریان حرکت مایعات است و امروزه به علوم مهندسی گفته می‌شود که ویژگی‌های مایعاتی؛ چون آب و روغن را بررسی می‌کند. تراکم‌ناپذیری مایعات استفاده از آن‌ها را برای تبدیل و انتقال نیرو میسر کرده است. از این خاصیت مایعات در طراحی ماشین‌هایی استفاده می‌شود که در عین سادگی بتوانند با نیروی محرک خیلی کم، نیروی مقاوم زیادی را جابه‌جا نمایند. در گذشته، مفهوم هیدرولیک فقط برای آب به کار می‌رفته‌است، اما

اکنون در صنایع مختلف به خصوص انتقال نیرو، در سیستم کنترل استفاده می‌شود و به جای آب از روغن بهره می‌برند که خاصیت ضد زنگ دارد. در صنایع هواپیماسازی، ماشین‌های راه و ساختمان، معادن، کشتی‌سازی و پرس‌سازی از علم هیدرولیک استفاده زیادی می‌کنند. علم دیگری که مشابه هیدرولیک عمل می‌کند پنیوماتیک است که در آن به جای آب و روغن از هوای فشرده بهره می‌برند. هوای فشرده به انتقال انرژی کمک می‌کند. برای این که با این علم بهتر آشنا شوید، نمونه‌ای کوچک از این سیستم را با هم می‌سازیم:

● دو سرنگ بدون سوزن را با یک لوله پلاستیکی از نوک به هم متصل نمایید. ● یکی از سرنگ‌ها را به زیر کامیون نصب کنید، طوری که لوله پلاستیکی در انتهای بار کامیون قرار بگیرد. (مطابق عکس) ● با سرنگ دیگر و فشار هوا بار کامیون بالا و پایین می‌رود. ● برای این تجربه می‌توانید از ماشین‌های پلاستیکی هم استفاده کنید. * با تشکر از سمانه محمودی کلاس سوم راهنمایی که نمونه‌سازی کرده است.



اخلاق در المپیک

جوایز در ورزش

مهدی زارعی

۳۴

بچه‌ها
گروه اول ۱۳۹۱

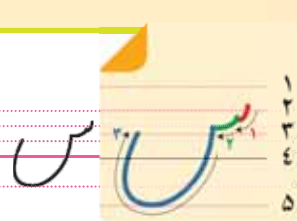
۲ شما «رینک بابکا» پرتابگر دیسک ایالات متحده هستید و برای کسب مدال طلا با «آل اوثرتر»، قهرمان دوره قبل المپیک رقابت می‌کنید. تمام پرتاب‌های مسابقه انجام شده و فقط یک پرتاب آل باقی‌مانده است. تا این‌جا شما قهرمان هستید و آل دوم. در همین حال متوجه می‌شوید که آل در محدوده قانونی قرار نگرفته است، با این خطا، طلای شما قطعی خواهد شد. چه خواهید کرد؟ (یادتان باشد رقابت سر طلا و نقره است!)

بابکا حاضر نشد که شرافت را زیر پا بگذارد. او به رقیبش تذکر داد که پرتابش خطا خواهد شد. آل اوثرتر هم موقعیت خود را تصحیح کرد و در آخرین پرتاب، رکورد المپیک را شکست و قهرمان شد. هنوز حرکت جوایز دانه بابکا با گذشت نیم قرن از خاطره‌ها محو نشده است.

۱ تصور کنید «عسگری محمدیان» کشتی‌گیر ایرانی هستید که به فینال المپیک ۱۹۸۸ رسیده‌اید. ایران بیست سال است که مدال طلای المپیک را به دست نیاورده است و شما در یک قدمی این مدال هستید. در مقابل شما رقیب روس قرار گرفته که بسیار باتجربه و پرافتخار است. در پایان مسابقه‌ای دشوار و پایاپای، او شما را شکست می‌دهد. در این حالت چه می‌کنید؟ زانوی غم بغل می‌گیرید؟ توجهی به رقیب نمی‌کنید یا چه؟

عسگری از شکست غمگین بود. اما می‌دانست که رقیب او دیگر در مسابقات کشتی حضور نخواهد یافت. به همین دلیل قهرمان روس را بر روی دستان خود بلند کرد و او را دور سالن چرخاند تا برای او «دور افتخار» زده باشد این حرکت کشتی‌گیر ایرانی جهانیان را به تحسین واداشت.

مسابقه فوتبال در جریان است. بازیکنی از تیم مقابل بر زمین افتاده است و ظاهرش نشان می‌دهد که درد شدیدی را تحمل می‌کند. اگر در این شرایط توپ زیر پای شما باشد چه کار می‌کنید؟! اگر توپ را به بیرون زمین بفرستید تا پزشکان فرصت معالجه حریف را پیدا کنند، عملی را انجام داده‌اید که به آن بازی جوایز دانه می‌گویند. به نظر شما چه کارهای دیگری در مسابقه، شرافتمندانه و جوایز دانه به‌شمار می‌آیند؟! یا اگر شما به جای قهرمان‌های المپیک بودید چه می‌کردید؟!



۳ شما «جان استیفن آکواری»، دونده تانزانیایی هستید. برای شرکت در دوی ماراتن مسیری طولانی را طی کرده‌اید تا در المپیک مکزیکوسیتی (۱۹۶۸) شرکت کنید. در اواسط مسابقه، مصدوم می‌شوید و پایتان خون‌ریزی می‌کند. پس از باندپیچی دیگر حتی به سختی راه می‌روید، چه برسد به این که بخواهید بدوید! با این شرایط ساعت‌ها طول می‌کشد که به خط پایان برسید آن هم به عنوان نفر آخر! چه خواهید کرد؟! آکواری لنگ‌لنگان مسیر را ادامه داد. چند ساعت از پایان مسابقه گذشت و تاریکی شب فرا رسید، اما سرانجام از خط پایان عبور کرد. وقتی از او پرسیدند که به چه علت این کار را کردی، پاسخ داد: «کشورم مرا ۷۰۰۰ مایل فرستاده بود که در خط شروع مسابقه قرار بگیرم. بلکه مرا فرستاده بودند که از خط پایان عبور کنم!» اکنون پس از چهل سال، نام آکواری بیشتر از نام قهرمان مسابقه در ذهن‌ها مانده است.

۴ شما «موتیز آندرسون»، کشتی‌گیر سوئدی هستید و به فینال مسابقه‌های کشتی المپیک لندن رسیده‌اید. حریف شما، «فریتو مارتسون» مصدوم شده و مدال طلای شما قطعی است. اما اگر دو کشتی‌گیر راضی باشند، مسابقه یک روز به تعویق می‌افتد. در این حالت چه خواهید کرد؟! آندرسون از مسئولان برگزاری مسابقه خواست که مسابقه روز بعد برگزار شود. روز بعد، آندرسون جوانمرد شکست خورد، اما پس از گذشت ۱۰۴ سال، نامش فراموش نشده است.

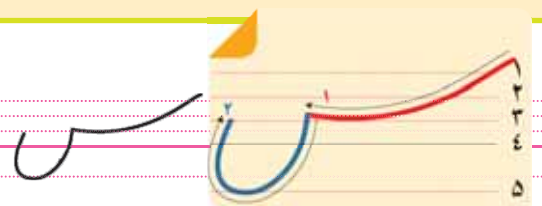
۵ حالا شما «هنری روبرت پیرس»، قایقران استرالیایی در المپیک آمستردام (۱۹۲۸) هستید. وضعیت مالی خوبی ندارید و قهرمانی المپیک می‌تواند برای شما شهرت و ثروت به ارمغان آورد. به سرعت پارو می‌زنید، ناگهان چند اردک را روبه‌روی خود می‌بینید. اگر به مسیر ادامه دهید، اردک‌ها را نابود خواهید کرد، اما رقیب قدرتمندان به شما نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود. چه خواهید کرد؟ آیا زندگی اردک‌ها را به قهرمانی خود ترجیح می‌دهید؟ پیرس بدون ذره‌ای تردید توقف کرد. آن قدر منتظر ماند تا اردک‌ها از جلوی قایق‌ها عبور کردند. آن‌گاه به مسیر ادامه داد و با تلاش بسیار قهرمان شد. سال‌ها از مرگ پیرس گذشته است. اما هنوز در تاریخ المپیک از او به نام «دوست اردک‌ها» یاد می‌شود.



۲۵

پوهان

گردون ۱۳۹۱





داور از کجا آمده؟

عادل اشکیوس



۳۶
نوجوان
فروردین ۱۳۹۱

داور

ریشه واژه داور «دادَ وَر» است. داور از نام‌های خداوند نیز است. دادور به صورت داور دگرگون شده است.

گوسپند یا گوسفند

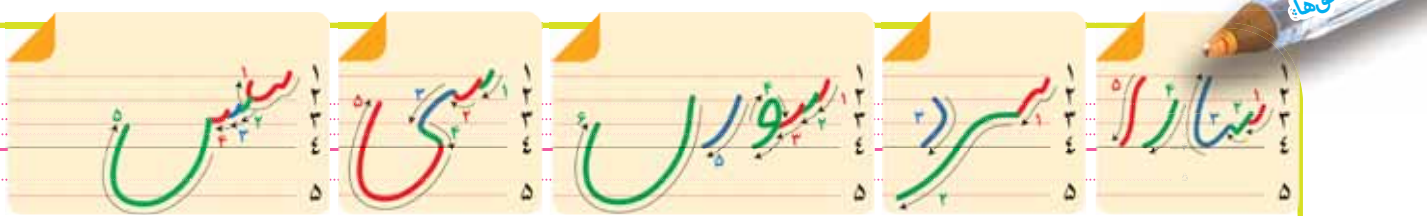
درافسانه زیبایی آمده است: دشمنان خانواده زرتشت، از زمان نوزادی قصد کشتن او را داشتند. روزی آن‌ها نوزاد را دزدیدند و بیرون از آبادی در برابر گرمای خورشید رها کردند تا بمیرد. در این میان چوپانی نیز میش خود را گم کرده بود. مادر زرتشت، همین که از این کار پلید آگاه شد از همسایگان یاری خواست. چوپان گفت: «شما بروید. همین که میشم را یافتم به شما خواهم پیوست.» عاقبت او صدای میش را شنید و آن را کنار نوزاد یافت. سپس همگان را از ماجرا آگاه نمود. از آن پس به خاطر این که میش جان زرتشت را از مرگ نجات داده بود، آن را «گو سپنت» نامیدند. «گو» به معنی حیوان اهلی؛ یعنی گاو و بز و میش است و منظور فقط گاو نیست. سپنت نیز مقدس است. پس گوسفند به خاطر نجات دادن زرتشت چنین نامیده شد. خوب است بدانیم میش گوسفند ماده و قوچ گوسفند نر است.

خیلی

ریشه واژه خیلی از «خَیل» است. خیل؛ یعنی گله اسبان. از آن‌جا که گله اسبان پر جمعیت است، خیلی به معنی بسیار در زبان فارسی به کار رفته است. در فارسی این واژه از معنای اصلی‌اش بیرون رفته و معنای نوینی یافته است.

بهار، تابستان، پاییز و زمستان

بهار در اصل «بَه + آر» است به معنی آورنده بهترین‌ها. واژه «بَه» در بهمن و بهرام نیز وجود دارد. تابستان؛ یعنی زمان اوج تابیدن خورشید به طبیعت (تاب + ستان). پاییز شاید پای‌ریز یا چیزی مانند همین واژه باشد که برگ‌ها در پای درختان می‌ریزند. زمستان؛ یعنی سردستان. زم، زم، سیم و شِم پیشوندهایی به معنای سرد هستند. زم در واژه‌هایی چون زمستان (سرماستان)، زمین (یخ بسته) و زمهریر (جای سرد دوزخ) و سم در سیمیرم شهر خنک استان اصفهان؛ شِم در شمران یا شمیران به معنی دامنه سرد دیده می‌شود.



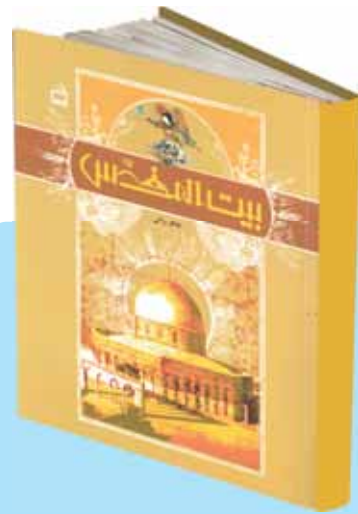


لیلا جلیلی



گردآوری و تالیف: عبدالله علیمراد
ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
(تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۶۲۹۷۲)
چاپ اول: ۱۳۸۹
قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

آیا تا به حال هنگام تماشای فیلم‌های عروسکی به چگونگی تهیه آن‌ها فکر کرده‌اید یا وسوسه شده‌اید که عروسک‌هایی شبیه آن‌ها بسازید؟ ساختن فیلم‌های عروسکی کار دشواری است و صبر و حوصله بسیار می‌خواهد، اما با تلاش و تمرین هر کاری شدنی است. در کتاب «دنیای عروسک‌ها» با نگاهی به فیلم‌های عروسکی ساخته شده در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان؛ نظیر «کشاورز و ربات»، «بهادر»، «بازرگان و طوطی»، «کوه جواهر» و ... روش ساخت آن‌ها بازگو شده است. در این کتاب با نحوه ساختن عروسک‌ها و لوازم دکور صحنه مثل انواع دیوار، کاشی و سرامیک، لوازم شیشه‌ای، چمن و درخت، آسمان، در و پنجره، فرش، یراق آلات فلزی و سایر چیزهای لازم برای صحنه آشنا می‌شوید. هم‌چنین در کتاب، روش‌های فیلم‌برداری، نورپردازی صحنه‌های مختلف و متحرک‌سازی انیمیشن توضیح داده شده است. گفتنی است تمام مراحل اجرایی ساخت انیمیشن در لوح فشرده ضمیمه کتاب به تصویر کشیده است.



نویسنده: جعفر ربانی
ناشر: مدرسه (تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۰۰۳۲۴)
چاپ اول: ۱۳۸۹
قیمت: ۵۵۰۰۰ ریال

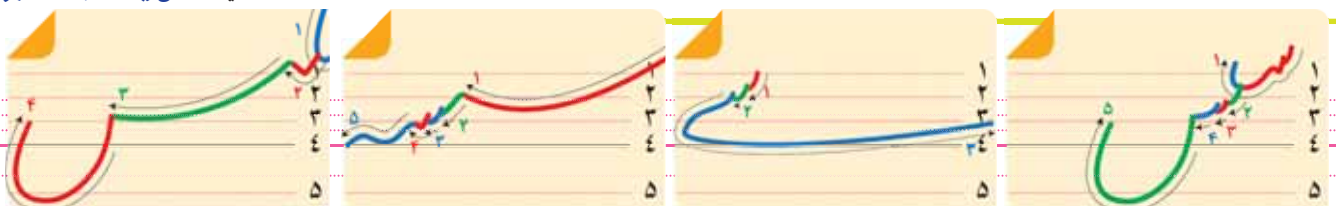
بیت المقدس، قدس یا اورشلیم یکی از شهرهای کهن جهان است با تاریخی پنج‌هزار ساله و سرشار از ماجرا. این شهر برای یهودیان، مسیحیان و مسلمانان مورد احترام است. بیت المقدس در طول تاریخ بارها مورد هجوم اقوام مختلف قرار گرفته، سقوط کرده و مردمش قتل عام شده‌اند. با این حال، هر بار پس از زمانی به شهری آباد تبدیل شده‌است و اکنون سال‌هاست که در اشغال صهیونیست‌هاست.

در این کتاب سرگذشت بیت المقدس از آغاز شکل‌گیری آن تاکنون به تصویر کشیده شده‌است. با مطالعه کتاب «بیت المقدس» با جغرافیای این شهر، سرگذشت عبرانیان در فلسطین، پیامبران برخاسته از آن، فاتحان قلعه‌های آن، مساجد و معابد، پیدایش صهیونیسم، جنگ‌های اعراب و اسرائیل، میراث‌های دینی و فرهنگی بیت المقدس و از وضعیت امروز این شهر آشنا می‌شوید. در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

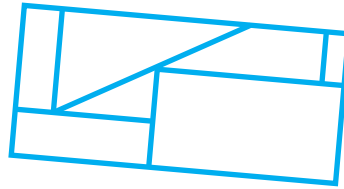
«مسلمانان در دین خود هرگز اجازه ندارند با کشیدن تصاویر انسان‌ها یا حیوانات بر دیوارهای مساجد و دیگر اماکن مقدس، این مکان‌ها را تزیین کنند. از این‌رو آنان بناهای خود را با طرح‌ها و نقش‌های زیبای هندسی، انواع خطوط زیبا، اقسام کاشی‌کاری‌ها و موزاییک‌ها و نیز منبت‌کاری، طلاکاری، گچ‌بری و ... تزیین می‌کنند.

در بیت المقدس، نمونه‌های عالی هنرهای بالا را می‌توان مشاهده کرد، به ویژه در مسجدالاقصی و قبه الصخره که چون نگینی بر تارک شهر قدس می‌درخشند.»

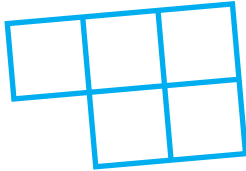
برای تمرین بقیه سرمشق‌ها از دفتر مشق موجود در وبلاگ رشد نوجوان استفاده کنید. نشانی وبلاگ در صفحه فهرست



۱ در شکل زیر چند مستطیل می‌توان در نظر گرفت؟



۲ چگونه می‌توان با برداشتن سه خط، شکل مقابل را به سه مربع تبدیل ساخت؟



۳ به جای علامت سؤال چه عددی قرار می‌گیرد؟ (با دلیل منطقی)
۳۰، ۱۲۰، ۴۸۰، ۱۹۲۰، ؟

۴ با استفاده از حروف (م ح را) چهار کلمه چهار حرفی با معنی بنویسید.

۵ نام کدام شهر ایران است که اگر حرف اولش را بردارند، نام شخصی می‌شود. اگر دو حرف اولش را بردارند، لقب یکی از پیامبران می‌گردد. و اگر سه حرف اولش را بردارند یک وسیله جنگی است. و اگر چهار حرف اولش را بردارند، واحد پول یکی از کشورهاست؟

جدول رمزی
پاسخ سؤالات زیر را طبق شماره‌ها، حرف به حرف قرار دهید و در پایان حروف داخل جدول را از شماره یک الی آخر به ترتیب بنویسید تا رمز جدول که بیتی از ایرج میرزاست به دست آید.

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹ و	۸	۷
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳ ه	۲۲	۲۱
	۳۳	۳۲	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸

۱. ضمیر غائب مفرد مذکر به معنی او ۲۳ - ۹
۲. خورشید عرب ۱۶ - ۱۱ - ۲۵
۳. سرازیری ۲۰ - ۲۸ - ۱۴
۴. تابلوی نقاش ۸ - ۲ - ۲۲
۵. قشنگ ۲۷ - ۱۹ - ۴ - ۱۵
۶. چُست و چالاک ۱ - ۵ - ۳۰ - ۲۴
۷. محترم و گرامی ۲۶ - ۱۳ - ۳۳ - ۲۹
۸. مخالف بالا ۱۸ - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷ - ۳
۹. شهیدشدن (گواهی‌دادن) ۳۲ - ۲۱ - ۶ - ۷ - ۱۰

تفریح



حروف مربع‌های شماره‌دار را به ترتیب بنویسید تا رمز جدول به‌دست آید.

روز ارتش جمهوری اسلامی	امتحان	شهری در یزد	استان جنوب‌غربی	وحشی	بن مضارع شنیدن
روز طبیعت	انتها	عقیده	واحد پولی	موی گردن شیر	مناسبت ۲۵ فروردین
سگ شکاری	قضایوت	تکرار حرفی	خیال	①	
پل‌تخت کانادا	زادگاه ابراهیم(ع)	بیابانی در آمریکای شمالی	خلودار	ادراک نشده	
خراب	دام	خراب	ضد مقعر	طمع	④
دومین ماه قمری	رنگ طلایی	بیماری گشوده	عضوی در دهان	زاویه تند	
ده	وجود	شهری در همدان	پول خارجی	مروطوب	
حاکم	شهری در همدان	حدیث	یار صندلی	هیزم	
نیرنگ	گیاهی دارویی	جدا کردن	ارمغان	سادمانی شادی و شادمانی	
زمان معین	حاجت	ارمغان	مؤسس افشاریه	مانع	
در حال جنبیدن	عدل	پوشاکی زنانه	تلخی	روحانیان زردشتی	
چشمین اسم آدمیان	روح	راه‌انومیل	ولی	من را	
پراکندگی لشکر	پرنده شکاری	بندری در فرانسه	زاد ما	بغل	
	طریقه	والده	خورشید	خورشید	
	شهر زیارتی در عراق	زینت نامرتب	تلخی	مفرد خطوط	
	مادر عرب	زینت نامرتب	ولی	غذای بیمار	
	قانون جنگیز	زینت نامرتب	قانون جنگیز	⑩	
	خیلی زیاد	زینت نامرتب	خیلی زیاد	⑫	
	⑬	زینت نامرتب	⑭	⑮	

۳

پوچان
۱۳۹۹

